

همدان نامه

www.hamedannameh.ir

سه شنبه ۵ شهریور ماه ۱۳۹۸ | سال دوم | شماره ۳۸
قیمت ۲۰۰۰ تومان، روی دکه ۱۰۰۰ تومان | ۸ صفحه

دیوار کوتاه
بازنشستگان
آموزش و پرورش

سیدامیرقشمی



یکی از هزاران در
همدان

مراسم رونمایی کتاب
«یکی از هزاران» نوشته استاد
«علیرضا نکاوینی قراکزلو» در دفتر
هفته نامه همدان نامه برگزار شد



تنهایی پریهایوی میشان

کوهنوردنماها و آفرودسوارها
زخم های برتن میشان هستند

اصلاح طلبان
بازنده انتخابات آتی

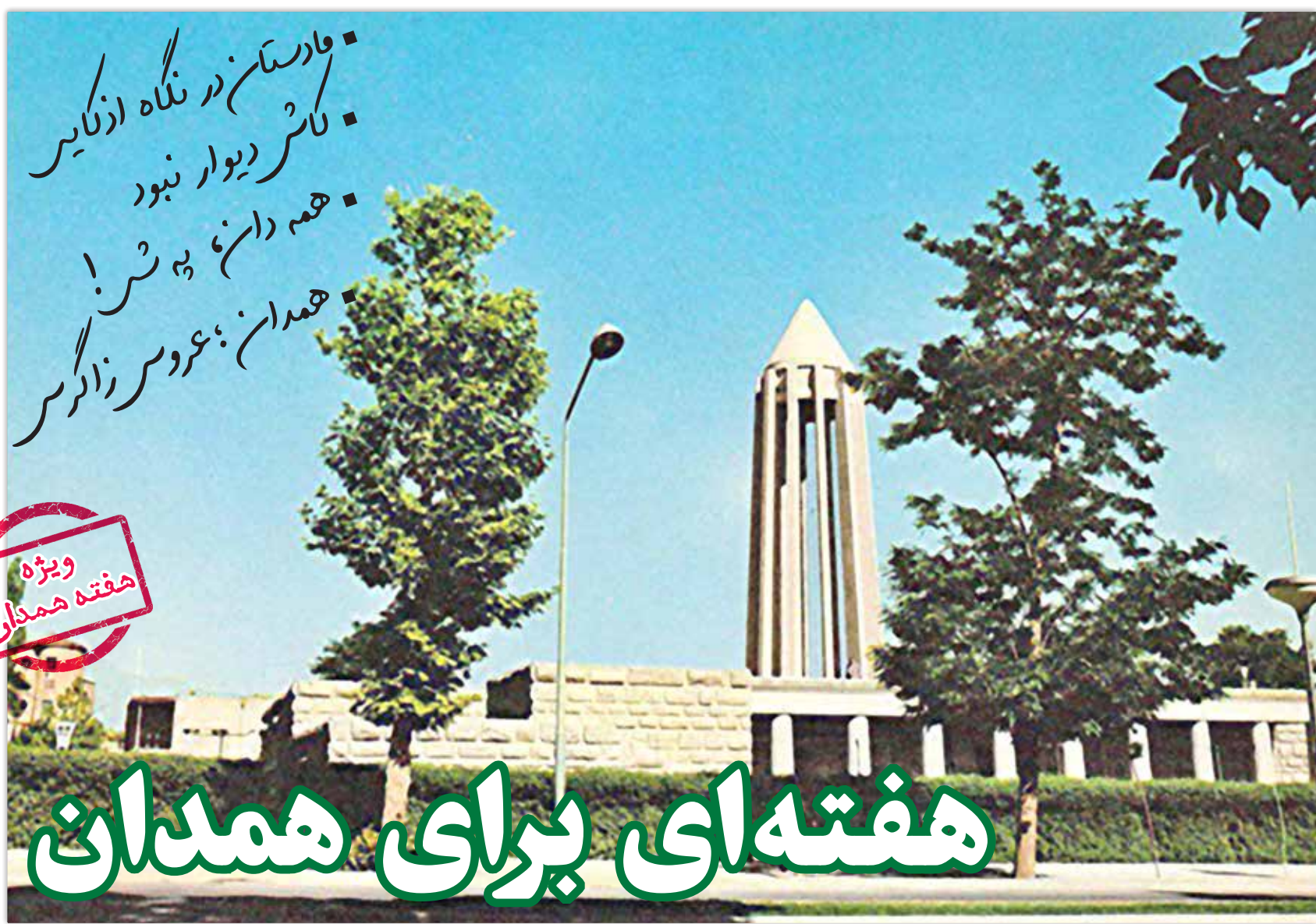
نفرین دیوارهای شهر

اجرای گذر کودک در همدان

یادداشت سردبیر

طبیعت همدان بدون متولی

حدود دو هفته پیش از این در فضای مجازی تصاویری از حضور خودروهای شاسی بلند یا همان آفرود در میدان میشان کوهستان الوند منتشر شد. این اتفاق واکنش های مختلفی داشت؛ فعالان محیط زیست به اصل موضوع اعتراض کردند که چرا باید این خودروها وارد مهم ترین فضای طبیعی همدان شوند، کوهنوردان و برخی آفرودسواران بر اساس شماره خودروها به این موضوع پرداختند که این افراد از کرمانشاه آمده اند، گویی آفرودسواران همدانی به حریم طبیعت تجاوز نمی کنند!



هفته ای برای همدان

هفته تبادلیست
گرامیباد
پاد و خاطر تهیدار
شورای اسلامی شهر و شهرداری همدان

شرکت توزیع نیروی برق استان همدان
استفاده از حسگرهای حضور
افراد در بخش های کم تردد ساختمان
از روشن ماندن بیهوده لامپ ها و هدر رفتن برق و افزایش بی دلیل بهای برق
مصرفی جلوگیری می کند.
وب سایت شرکت توزیع نیروی برق استان همدان www.edch.ir

مدیرکل ورزش و جوانان استان:

۲۰ پروژه ورزشی تا پایان امسال به بهره برداری می‌رسد



مدیرکل ورزش و جوانان استان همدان گفت: ۱۱۰ پروژه نیمه تمام ورزشی در استان همدان وجود دارد که ۲۰ مورد از آن‌ها تا پایان سال ۹۸ تکمیل می‌شوند. به گزارش روابط عمومی اداره کل ورزش و جوانان همدان، «محسن جهانشیر» با بیان این‌که استان همدان در حوزه ورزش و جوانان در کشور پیشرو است، افزود: نگاه اداره ورزش و جوانان استان همدان جوان باورانه، جوان باورانه و جوان محورانه است چراکه جوانان پایه و اساس کشور هستند و در گام دوم انقلاب و برنامه‌های رهبری محوریت با جوانان است.



جهانشیر در بازدید از مراکز متخلف

در استان همدان به ثبت می‌رسد و همه افراد جامعه در برابر این موضوع مسئول هستند، گفت: ما متولی نابسامانی هستیم که ریشه در گذشته افراد دارد چراکه از ابتدای امر باهم بودن و اصول زندگی مشترک را به جوانان آموزش ندادیم و افراد با این ذهنیت رشد کرده و در آینده با مشکل مواجه خواهند شد. مدیرکل ورزش و جوانان استان همدان بیان کرد: ۲۰ مرکز مشاوره زیر نظر اداره کل ورزش و جوانان در سراسر استان فعالیت می‌کنند که این اداره در راستای برون سپاری و افزایش اشتغال پایدار از گروه‌هایی که ظرفیت مشاوره دارند حمایت خواهد کرد.

شرایط نامناسب پاس
وی در خصوص وضعیت تیم پاس گفت:
پاس یکی از تیم‌های مطرح کشور بوده و اکنون

وی در ادامه با بیان این‌که مسابقات تیم نوجوان آسیا با پرداخت هزینه از طرف فدراسیون کشوری به میزبانی همدان برگزار می‌شود، گفت: ۴ رشته ورزشی کشتی آزاد، شطرنج پسران و بسکتبال ۳ نفره دختران و پسران از المپیاد استعدادها برتر کشور در همدان برگزار خواهد شد و حدود ۲۰ تیم از همدان به کشورهای مختلف اعزام می‌شوند.

پانوی افتخارآفرین
مدیرکل ورزش و جوانان استان همدان



مدیرکل ورزش و جوانان استان همدان

در استان همدان به ثبت می‌رسد و همه افراد جامعه در برابر این موضوع مسئول هستند، گفت: ما متولی نابسامانی هستیم که ریشه در گذشته افراد دارد چراکه از ابتدای امر باهم بودن و اصول زندگی مشترک را به جوانان آموزش ندادیم و افراد با این ذهنیت رشد کرده و در آینده با مشکل مواجه خواهند شد. مدیرکل ورزش و جوانان استان همدان بیان کرد: ۲۰ مرکز مشاوره زیر نظر اداره کل ورزش و جوانان در سراسر استان فعالیت می‌کنند که این اداره در راستای برون سپاری و افزایش اشتغال پایدار از گروه‌هایی که ظرفیت مشاوره دارند حمایت خواهد کرد.

برنامه‌های خانواده
جهانشیر با بیان این‌که ستاد ساماندهی امور جوانان یک محور و رهبر برای برنامه‌های اجرایی توسط سایر دستگاه‌ها است، اضافه کرد: ۴ سازمان مردم نهاد اداره ورزش و جوانان اشتغال پایدار ایجاد کردند، همچنین حدود ۲۰ دوره آموزش پیش از ازدواج و خانواده در سال ۹۸ برگزار شده است. مدیرکل ورزش و جوانان استان همدان با بیان این‌که به ازای هر ۴ ازدواج یک طلاق



مدیرکل ورزش و جوانان استان همدان

موزه وقف امامزاده عبدالله؛ مجموعه نفیس آثار وقفی استان

این موزه تازه تاسیس هزار قطعه تاریخی را در خود جای داده است

زندگی مردم قدیم همدان در قالب یک مجموعه ۱۵۲ قطعه‌ای است که با فلز ساخته شده و استاد ضرابیان همگی آن‌ها را در سال گذشته وقف موزه کردند. شاهکارهایی در این آثار به چشم می‌خورند که یکی از آن‌ها آرامگاه بوعلی سیناست.

در این شاهکار هنری و صنعتی جزئیات آرامگاه بوعلی به دقت اجرا شده است. هنر فلزکاری در همدان از پیشینه کهنی برخوردار است و آثار ضرابیان بازتاب دهنده آخرین نسل فلزکاران همدانی است. برای شناخت فرهنگ، باورها، هنر و صنعت مردمان هر دیار وجود موزه‌های تخصصی یک ضرورت است. موزه تخصصی وقف همدان که در سال ۲۰۱۸/۱۳۹۷ گشایش یافت برآمده از یک کوشش طاقت فرسا و سخت در جمع‌آوری میراث فرهنگی - مذهبی مردمان استان همدان است. تحقق این هدف بزرگ برآمده از کوشش دست اندرکاران



بازدیدکنندگان از هر طیف و طبقه اجتماعی می‌توانند مطالب آموزنده‌ای از آن دریافت کنند. دلیل این ادعا آن است که بسیاری از آثار مزبور تولید شده دست درگذشتگان و پدران و مادران همین مردم است و به احتمال زیاد هر بازدیدکننده در گذشته نمونه‌های امروزی آن آثار را در مراکز مذهبی و خانه‌های خود به چشم دیده‌اند. به همین واسطه می‌توان گفت: آثار موزه با فرهنگ و باورهای بازدیدکنندگان هماهنگ و همخوان است و بیننده به راحتی با آن‌ها ارتباط برقرار می‌کند. همچنین بازدیدکنندگان خارجی نیز از دیدن آن‌ها بسی لذت خواهند برد چراکه برایشان تازگی دارد و با میانجی‌گری آن آثار می‌توان با فرهنگ مردمان تولیدکننده آن آشنا شوند.

موزه وقف این فرصت را به بازدیدکنندگان می‌دهد که بتوانند با باورهای مردمان استان همدان در سده‌ها و هزاره گذشته آشنا شوند و بدانند که سنت نیکوکاری در همدان از چه پیشینه و کیفیتی برخوردار بوده است. نسخه‌های خطی همانطور که گفته شد اشیای مزبور گوناگون هستند. مثلاً در این موزه از قالی‌های نفیس نذری وقفی گرفته تا شاهکارهای نقاشی و از سکه‌ها تا کتیبه‌های باستانی حاکمان همدان به نمایش درآمده است. نسخه‌های خطی نفیس که برخی از آن‌ها در جهان بی‌نظیرند از برجسته‌ترین آثار موزه هستند. آثار این موزه از پشتوانه فرهنگی پرپایری برخوردارند چراکه همه آن‌ها تولید و دست ساخته مردم هستند و هیچ نیروی حکومتی و دولتی در تولید آن‌ها دخیل نبوده است و این یک نکته بنیادی است. موزه وقف یک موزه تخصصی است که در عین حال برای همگان گیرایی دارد. به عبارت دیگر

آثار این موزه از پشتوانه فرهنگی پرپایری برخوردارند چراکه همه آن‌ها تولید و دست ساخته مردم هستند و هیچ نیروی حکومتی و دولتی در تولید آن‌ها دخیل نبوده است و این یک نکته بنیادی است.



موزه وقف امامزاده عبدالله؛ مجموعه نفیس آثار وقفی استان

همدان‌نامه: همدان که سال‌هاست عنوان پایتخت تاریخ و تمدن ایران را با خود یدک می‌کشد، دارای ۱۸۰۰ اثر تاریخی است که تاریخ بلند بالای این شهر را به رخ جهانیان می‌کشد. علاوه بر این آثار تاریخی زیبا، همدان موزه‌های زیبایی دارد که آثار کشف‌شده از اماکن تاریخی مختلف را در خود جای داده‌اند و آن‌ها را در معرض دید علاقمندان به تاریخ و آثار تاریخی قرار می‌دهند. برخی از این موزه‌ها توسط اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان و بر حسب وظیفه ذاتی این اداره راه‌اندازی شده و اداره می‌شوند و تعداد دیگری از این موزه‌ها توسط ادارات و بر حسب ذوق شخصی مسئولان نهادها راه‌اندازی شده‌اند و مجموعه‌های غنی از آثار موضوعی را شامل می‌شوند و باعث می‌شوند علاقمندان به دیدن اشیای تاریخی خاص از آن‌ها با نگاه تخصصی بازدید کنند. یکی از این موزه‌های زیبا که به همت اداره کل اوقاف و امور خیریه استان در آستان مقدس امامزاده عبدالله (ع) واقع در میدان امامزاده عبدالله (ع) راه‌اندازی شده و هر روزه پذیرای علاقمندان است، موزه وقف آستان مقدس امامزاده عبدالله (ع) است که به باور بسیاری از کارشناسان بهترین موزه وقفی



موزه وقف امامزاده عبدالله؛ مجموعه نفیس آثار وقفی استان

هگمتانه

آسمان پُرستاره



محمد سلگی

وقتی از «همدان» سخن به میان می‌آید، گویی داستان آسمان پرستاره‌ای است که نمی‌دانی کدام ستاره‌اش، درخشان‌تر جلوه می‌کند. یعنی باید از کدام قلمرو آسمانش نوشت تا به بلندای این نام بلند، واژه بگزینی و سزاوار پیشینه دیرهنگامش، قلم زده باشی. ستارگان تاریخ و تمدن‌ش یا اختران فرهنگ و ادبش؟ به هر حال، هر کدام از این کوکاب را تصور کنی، درخششی است در صفحه‌های زرین، از کتاب فرزادنگی ایران زمین.

تاریخ هگمتانه را خواندیم. شرح حال مردمانش را شنیدیم. روزگاران پرپیچ و خمش را می‌دانیم: از همان هنگام که پایتخت هخامنشیان بوده تاکنون که پایتخت تاریخ و تمدن است و قلب تپنده اقلیم پارس.

به گواهی سخن دکتر محمد معین در لغتنامه گرانستگش، این دیار را باید کهن‌ترین شهر این سرزمین کهن دانست. پس خاک «هگمتانه» که به حق «گنواره تمدن» می‌نامندش، خاکی است متفاوت با همه خاک‌ها؛ چون خاکش «خاک زندگی» است؛ برخلاف خاصیت خاک که خیر از خفتن و مردن می‌دهد. خاکش نشان از شکوهی بی‌انتهای و فروغی بی‌زوال، نهفته در دل دالان تاریک تاریخ دارد. خشت خشتی که از خان و مان نیاکامان، سربرآورده و خوندنمایی می‌کند، فقط یک خشت بی روح و ویران‌شدنی نیست؛ بلکه پای‌بست کاخ تمدن چند هزار ساله‌ای است که در آن روزگار دور و رازآلود، شگفتی هر بیننده را در پی دارد.

«گنجنامه» اش که گنجینه‌ای است از تاریخ و طبیعت؛ کتیبه‌هایش نشانی است از پرواز همای اندیشه و دانش بر دوش شهریارانش.

مردم این سامان، در دامان «الوند» روزها را شب کرده‌اند و خزان‌ها و بهارها چشیده‌اند. الوندی همیشه در اوج که طعنه بر دماوند می‌زند؛ آن‌چنان متین و محکم ایستاده که گویا می‌خواهد درس ایستادگی و پایداری به فرزندانش دهد. «گنبد علویان» که نظری و نگاهی دیگر می‌طلبد؛ نگرشی معمارانه از نگاه معماران که بنای افراشته‌اش، شرح حال هنری دیروزی است برای ما، از هفت هنر امروزی برای همه. «بایاطاهر» و «عبع‌القصات» هنوز هم همان سوتنه‌دلان شوریده‌سر هستند. بزمگردانی که از همه کالاهای دنیا و فریفتگی‌هایش، «کیفیت چشم یبار» را کافعی می‌دانند. عاشقانی که از درمان و درد و وصل و هجران، آن‌چه را جانان پسند، می‌پسندند.

و سراج‌نام می‌رسیم به شاه بیت این قصیده کوتاه و مقطع چکامه هگمتانه؛ به همان نشان که نگین نامدار این انگشتری است؛ شاهکار هندسه مهندس هوشنگ سیحون؛ شاه‌نشین این کهنه‌سرای؛ آرامگاه بی‌واژه‌ترین دانشمند هستی، «ابوعلی سینا». دانشوری ماندگار که بی‌شک، فوق ستاره این آسمان است. از موسیقی و گیاه‌شناسی تا تفسیر قرآن و دین‌شناسی می‌توان بر سفره کلامش نشست. طب و ادبش دنیایی است و حکمت و فلسفه‌اش دنیایی دیگر. عشق و عرفانش فصلی است و اخلاق و ریاضی‌اش فصلی دیگر. پارس‌گویی‌اش یک ویژگی است و تازی‌دانی‌اش یک ویژگی دیگر. «بهمنیار» یک دست آموزش است و «ابوسعید دُخوک» درس‌آموز دیگرش. این بنا، به اکباتان ما، روحی عطا کرده که هویتی خاص در آن به وجود آورده؛ چنان هویتی که برج شهیاد (آزادی) به تهران و برج ایفل به پاریس بخشیده؛ یعنی همدان یک معنا دارد و با وجود ابوعلی سینا، معنایی دیگر.

این آسمان پرستاره فروزنده، حقیقتا رشک برانگیز است و هر دم به کرشمه‌های دلربایی می‌کند. آن‌چه خویان همه دارند، تو تنها داری. پس همچنان سرفراز باش و بدرخش، ای کهنسال جوان‌پیکر!

میراث



سید امیر قسبی
بازنشسته آموزش و پرورش

سرانجام پس از کش و قوس‌های فراوان و بر اساس رای شعبه هفتم دادگاه حقوقی همدان، حکم تخلیه ساختمان ۱۱۰ ساله وکیل الرعایا که پیش از آن سال‌ها به عنوان مدرسه از آن استفاده می‌شد و پس از آن نیز در اختیار بازنشستگان آموزش و پرورش قرار گرفته بود، صادر شد.

صرف نظر از چند و چون این خبر، آن‌چه مهم است بازتاب‌ها و تأثیرات منفی این خبر است که موجی از نگرانی و بی‌اعتمادی را در بین جامعه فرهنگی به ویژه بازنشستگان آموزش و پرورش ایجاد کرده و این حس و پیام را به این قشر فرهیخته که تعدادشان هم کم نیست، منتقل می‌کند که دیواری کوتاه‌تر از دیوار معلم و آموزش و پرورش وجود ندارد. نزدیک‌ترین تأثیر این اتفاق برهم زدن احوال ذهنی و روحی کسانی است که قرار است پس از تحمل اجحاف‌ها و بی‌مهری‌هایی که سالیان سال در دوران خدمت بر آنان رفته است حداقل دوران بازنشستگی خود را در آرامش فکری و روانی سپری کنند.

واقعیت آن است که بعد از اطلاع از صدور این خبر که بر اساس آن باید پیشکسوتان آموزش و پرورش این محل را پس از مهلت تعیین شده ۲۰ روزه واگذارند و بروند می‌خواهستم مطلبی را در اهمیت شأن و مقام والای معلمان، به ویژه پیشکسوتان که در آموزه‌های دینی و نیز عرف جامعه سخن فراوان آمده است ادا کنم اما معطل و سردر گم ماندم، چراکه در وصف معلمان عبارات و کلماتی که می‌بایست آن مفاهیم را ادا کند صدها و بلکه هزاران بار بعد از انقلاب با طرز بی‌مبالغه آمیزی از سوی مسئولان و مدیران و نمایندگان مجلس به ویژه در ایام انتخابات به کارگرفته و گفته شده که دیگر این گونه مطالب در نزد خواننده و همکاران ارزش واقعی خود را از دست داده است.

با این حال لازم است مزید اطلاع مدیران محترم استانی اشاره شود که کانون بازنشستگان

مادستان در نگاه ادکایی

و در میان شهرهای کهن جهان کم مانند است. چه مثلاً از بابل قدیم که تمدن و فرهنگ ساکنان باستانی آن در بعضی کتب مقدس و الواح میخی باز یافته در اتلال آن‌جا ذکر شده، اثری دیگر بر جای نمانده، یعنی شهری به نام «بابل» وجود ندارد؛ هم چنین از شوش عیلامیان جز اتلال باستانی برجای نمانده، اما به اتفاق مورخان از میان پایتخت‌های ملل قدیم؛ اروم و آتن و همدانه باقی است که این یکی یعنی هگمتانه مادها و هخامنشیان دستکم پانصد تا سیصد سال از آن دو تای دیگر قدیم‌تر است.

اما درباره اصطلاح جغرافیایی مادستان، دقیقاً برابر با استان همدان کنونی، اگرچه به ویژه طی گذتار دوم همدان باستان ادله عقلی و نقلی چنین تسمیه‌ای ضمن تحقیق آمده؛ در این‌جا نیز به دلیلی خود را ناگزیر از توضیح مختصر می‌یابیم و در افاده هرام شایسته دیدیم اجمالاً چند فقره از متن گزارشی به نقل اوریم که چند سال پیش حسب درخواست استاندار وقت همدان مهندس احمد خرم راجع به مسئله سیاسی تبدیل نام استان تقدیم شده است.

در پی تشکیل دولت متمرکز ماد، پس از آن‌که دولت تجاوز پیشه آشور را درسال ۱۱۳۲ ق.م از صفحه تاریخ برانداختند و با تاسیس امپراتوری ماد، تمام قلمرو قبایلی متحد در ناحیه مغرب ایران زمین به نام ایشان یعنی؛ امدیاسه، مادایا یا مادستان نامیده شد که مورخان یونان باستان و تانکون هم مورخان اروپایی آن ایالت یا به عبارت دقیق‌تر آن کشور را media یا مادستان نامیدند که هنوز هم این منطقه از ایران زمین را به همان اسم مدیا مادستان تعبیر می‌کنند. در دوران اشکانی یا پارتیان ایالت سعاد، ماد، ماه بزرگ اسم دیگری پیدا کرد؛ پهلویکان خورگان، و در دوران ساسانی؛ مادکوست یا مادستان که حتی در صدر اسلام نیز نظر به تقسیمات منطقه‌ای خراجی ماد و ایالت قدیم مادستان بوده است.

حدود بیست و شش سال پیش از این تاریخ مقامات کشوری طی مطالعات کارشناسی مستمر، طرحی برای تقسیمات کشوری براساس مناطق تاریخی- فرهنگی آماده کردند که اینجانب با هیبت مزبور همکاری داشت و این نظر که استان همدان در قیاس با ایالت‌های قدیمی لرستان، خوزستان، سیستان (سکاپستان)، بلوچستان، کردستان و جز این‌ها مثل گرجستان و ارمنستان و مانند این‌ها، ضروری و طبیعی و منطقی هم

هست که به مادستان، تبدیل اسم یابد، محل نایب و قبول قرار گرفت. اکنون هم سزاست که از جهت قدمت تاریخی و فرهنگی و دلایل دیگری استان همدان را به نام نخستینه و بنیادین تاریخی- جغرافی - قومی‌اش مادستان باز خوانند. بدین‌سان هویت تاریخی و جنبه ملی - قومی سرزمین‌اش بدان باز گردانده شود، بسا که به نوعی هم احیای فرهنگی در آن صورت پذیرد و هم با تحقق این امر قطعاً خاطر اهالی وطن‌دوست دیگر شهرهای استان نیز خرسند خواهد شد. زیرا که حق تاریخی و فرهنگی هر یک از شهرهای مادستان، به طور مستقل از اسم و ابیت عظمت آسای همدان، به طریق اولی ادا خواهد شد. و این موضوع کم اهمیتی نیست، به لحاظ روان‌شناسی اجتماعی مردم استان هم نکته بسیار باریکی است.

اما از حیث اشتها و اعتبار فرهنگی باید گفت یکی از نهادهای فرهنگی عهد باستان همانا بنای مشهور «مرکز اسناد» هگمتانه بوده که حسب اشارت تورات یهودیان در خصوص بیت گنزاب (بیت الاسفار) حسی بابل و شوش راجع به ثبت وقایع و ضبط اسناد در «گنج‌خانه‌های شاهی یا «خانه‌کتاب» دینی و «بایگانی‌های دولتی» هم از مرکز اسناد (سیفردوکرنا) در بیرتا (قصر) احتما (هگمتانه) مادستان یاد شده است. باید گفت که بیرتا هگمتانه به مانند اعقرا بابلی (قصر و قلعه) اولاً به مفهوم دژنیش، در فارسی میانه، یعنی «قلعه کتابات» و ثانیاً آن «کتابات» (نوشته‌ها) (اسناد) بر طومارهای پوستی چمگلی به زبان و خط آرامی نوشته بودند؛ ثالثاً بنای دژنیش هگمتانه هخامنشی به طور قطع و یقین مربوط به عهد مادی است. اما هم در زبان مادی و هم در پارسی باستان قلعه کتابات را «پتیشی پوادا» می‌گفتند که به نظر ما این کلمه در تداول قرون و اعصار به صورت «سیچاپاد» در آمده که اینک نام دیگر آن همان «حصار» «دزه» (دیزج) چسبیده به تپه پیسای باستانی نزدیک شهر است. فلذا ظن قوی‌تر بر آن است که کتابخانه و گنج‌خانه دینی- دولتی یا «دژنیش» هگمتانه همان «دزه» کنونی بوده است. این نظریه اخیراً با پیداشدن پوست‌نیشته‌های آرامی از همان‌جا بیش از پیش قوت گرفته و فعلاً مطرح است.

کیش و مذهب یک نهاد فرهنگی هم که از دوره مادی در تختگاه هگمتانه دایر شد، همانا حوزه علمیه «مغان» مادیا به اصطلاح فرهنگستان علوم ایران در عهد باستان

دیوار کوتاه بازنشستگان آموزش و پرورش

آموزش و پرورش صرفاً یک مرکز برای گردهم آمدن بازنشستگان و گذران اوقات فراغت نیست، کانون بازنشستگان آموزش و پرورش کانون دانش، معرفت و فرهنگ است، این کانون محفل دانشوران، پژوهشگران و فرهیختگانی است که به اقتضای شغل شان از جوانی با کتاب و کتابخوانی مانوس بوده‌اند بسیاری از آنان اهل قلم بوده و تالیفات خود را در زمینه و موضوعات گوناگون همزمان با ورود به دوران بازنشستگی آغاز کرده‌اند، کتب و آثار ارزشمند و فاخری در زمینه‌های گوناگون از خود به جای گذاشته و می‌گذارند.

از این رو تخلیه بدون حساب و کتاب این مرکز بدون در نظر گرفتن مکانی مناسب علاوه بر آن که باعث سرگردانی قریب به ۷۰۰۰ نفر از بازنشستگان خواهد شد، بی‌رحمی و بی‌انصافی نسبت به کسانی خواهد بود که سالیان سال زحمات طاقت‌فرسایی را در آموزش‌وپرورش این دیار متحمل شده‌اند.

نظر به تجربیاتی که در مدت چند سال فعالیت مطبوعاتی و نیز سی و سه سال در کسوت معلمی و مطالعه تاریخ آموزش پرورش کسب کردم به جرات می‌گویم که مشکلات آموزش و پرورش، معلمان



هفته‌های ب

۲۲

جشن مرمت سرای گلشن



همدان‌نامه: به مناسبت پایان مرمت سرای گلشن، چهارشنبه ۶ شهریور جشنی در این سرا برگزار خواهد شد. «اکبر محمدی» از برگزارکنندگان این برنامه به همدان‌نامه گفت: سرای گلشن بعد از یک سال توسط شهرداری و میراث فرهنگی و با همکاری جمعی از کسبه این سرا مرمت شده و به همین مناسبت جشنی در این سرا برگزار خواهیم کرد. همچنین انجمن شاهنامه‌خوانی گلشن نیز فعالیت خود را در این مکان آغاز خواهند کرد.

وی افزود: بعد از پیاده‌راه شدن خیابان اکباتان کسبه آن که بیشتر عده‌فروش هستند، دچار مشکلات زیادی شدند چراکه برای این خیابان کاربری تعریف شد که با هویت آن سازگاری نداشت و از طرفی زیرساخت‌های گردشگری مانند هتل، رستوران و کافه در آن فراهم نشده بود. از طرفی خیلی از همدانی‌ها هم سرای گلشن را نمی‌شناسند.

محمدی تأکید کرد: به همین دلیل ما تصمیم گرفتیم کار نکرده اداره میراث فرهنگی و شهرداری را انجام دهیم و با برگزاری این برنامه فرهنگی و رانندازی انجمن شاهنامه‌خوانی در این سرا، هم آن را به شهروندان معرفی کنیم و هم در راه رونق‌بخشی به پیاده‌راه اکباتان قدمی برداریم.



پیشنهاد می‌شود مدیران فعلی آموزش و پرورش نیز از طریق مجاری قانونی از طریق واحد حقوقی اداره‌ارکل و کارشناسانی از دادگستری بار دیگر زمین و یا املاکی که متعلق به آموزش و پرورش بوده است و شهرداری آن‌ها را به ثمن بخش تملک کرده است را مجدداً قیمت‌گذاری کرده و درآمد حاصل از واگذاری این زمین‌ها را صرف ساخت فضاهای آموزشی، پرورشی و فرهنگی از جمله مرکزی برای بازنشستگان آموزش و پرورش کنند.

در صورت اصرار بر اجرای حکم، آموزش و پرورش هم می‌تواند ترتیبی اتخاذ کند تا ساختمان‌هایی که در اختیار انجمن اسلامی دانش آموزان و بسیج دانش آموزی است و مالکیت آن متعلق به آموزش و پرورش است را نا تعیین یک مکان ابرومند در اختیار بازنشستگان فرهیخته قرار دهد.

شاهین وابسته بوده و این که حکیم سبنا پسر اهوم سنوت از زمره مغان روحانی ایران باستان سردودمان پزشکی ایران زمین به شمار تواند رفت. همانا به تعبیر یونانی‌اش «اسکلیپوس» ایرانی یا همچون حکیم بقراط پدر پزشکی ملت

شاهین وابسته بوده و این که حکیم سبنا پسر اهوم سنوت از زمره مغان روحانی ایران باستان سردودمان پزشکی ایران زمین به شمار تواند رفت. همانا به تعبیر یونانی‌اش «اسکلیپوس» ایرانی یا همچون حکیم بقراط پدر پزشکی ملت

شاهین وابسته بوده و این که حکیم سبنا پسر اهوم سنوت از زمره مغان روحانی ایران باستان سردودمان پزشکی ایران زمین به شمار تواند رفت. همانا به تعبیر یونانی‌اش «اسکلیپوس» ایرانی یا همچون حکیم بقراط پدر پزشکی ملت

برای همدان

۲۲

شبی با فرهنگ

هفته‌نامه فرهنگی همدان گرامی باد
هفته‌نامه همدان نامه و نقدیه آموزش و پرورش برگزار می‌کند

شبی با فرهنگ

با سخنرانی

دکتر میرجلال‌الدین کزازی، دکتر بهرام پروین گنابادی، امیرشهاب رضویان و دکتر علی اصغر بشیری در این برنامه سخنرانی خواهند کرد و از حاج محمد شیخ، شیخ آموزش و پرورش همدان تقدیر خواهد شد. در این برنامه همچنین از کتاب «تاریخ و فرهنگ همدان» نوشته عباس زند رومانی خواهد شد. این برنامه ساعت ۱۷ سه‌شنبه ۵ شهریور ساعت ۱۷ خیابان طالقانی دبیرستان ابن سینا سالن آمفی تاتر

رومانی از کتاب تاریخ فرهنگ و معارف همدان نوشته عباس زید

با تقدیر از شیخ آموزش و پرورش همدان حاج محمد شیخ

ساعت ۱۷ سه‌شنبه ۵ شهریور ساعت ۱۷ خیابان طالقانی دبیرستان ابن سینا سالن آمفی تاتر

همدان‌نامه: برنامه «شبی با فرهنگ» به همت هفته‌نامه همدان‌نامه و گنجینه آموزش و پرورش و همزمان با هفته فرهنگی همدان برگزار می‌شود. دکتر میرجلال‌الدین کزازی، دکتر بهرام پروین گنابادی، امیرشهاب رضویان و دکتر علی اصغر بشیری در این برنامه سخنرانی خواهند کرد و از حاج محمد شیخ، شیخ آموزش و پرورش همدان تقدیر خواهد شد. در این برنامه همچنین از کتاب «تاریخ و فرهنگ همدان» نوشته عباس زند رومانی خواهد شد. این برنامه ساعت ۱۷ سه‌شنبه ۵ شهریور در سالن آمفی تاتر دبیرستان تاریخی ابن سینا واقع در خیابان طالقانی برگزار خواهد شد.

نوستالژی

همه دان، په شی!

آلبرت کجوبی



عزیزی، ویدیویی کوتاه از گذر از میدان عباس آباد تا گنجنامه در همدان برابرم فرستاد. دلم، آشوب شد. هول کردم که نکند، همه آن باغ‌های سبز و درخت‌های کشیده را، به سیمان و آهن سپرده‌اند. مثل آن‌چه بر باغ‌های توت، همین زیرگوش‌مان «کن» آوردند، با باغ‌های توت ارومیه که شهر جهان بودند، که گفتند، مگر همدانی‌ها، می‌گذارند؟ یک بزرگ را زده‌اند، آن هم روی همان گذر شنی و دست به باغ‌ها نرده‌اند. گفتم: ناز همدان، فصلی بزرگ از جوانی ما در همان گذر از عباس آباد تا گنجنامه گذشت. یادم هست، پیاده، همه راه را گز می‌کردیم. از صبح تا غروب.

اگر هر هفته نبود، ماهی یک- دو بار بود. تا به امروز نمی‌دانستم، چند کیلومتر بود. پرسیدم، گفتند شش کیلومتر یعنی ما که از راه باغ می‌زدیم، می‌رقیم، رفت و برگشت می‌شد به تقرب بیست کیلومتر. وای که اصلا در آن هوای پاک پای الوند، خستگی نمی‌دانستم چیست؟ آب الوند خروها می‌داند چه می‌گویم، ما که تالستان‌ها، -سه ماه تعطیلی مدارس- را در خانه عمو و عموزاده‌ها، در همدان می‌گذرانیم. روز و شبمان همدان بود. یخ طبیعی آمده از کوه، دوغ کوزه‌ای دو قنار، که باید دو کوزه هم آب به آن می‌بستیم که از غلظت آن کاسته، خوردنی بشود. برویم از کتاب‌فروشی کوی فرنگیا، کتاب کرایه کنیم، هارون‌الرشید، ده مرد رشید، قزلباش و پاورقی‌خوان حسینی مستعان بشویم، با کرایه هفته‌ای دو قران و پنج قران، برویم تا «آبشینه» تن به رودخانه بزینم و غروب، خسته کوفته از کوه و کمر برگردیم خانه. این عیش ما جوان‌ها همه چه چهل، در همدان بود. که بناییم، همه دانه دانه، په شی! اما با همه پاداهای این عیش

کاش دیوار نبود

متوجه شدم... جمع شده بودند تا من را بشناسند... قلم به شدت می‌زد راستی من کیستم؟ چرا باید مرا ببینند؟ مرا بشناسند؟ که چه؟ در این فکر بودم آقایی سلام گفت: از پشت میکروفون سلام گفت و حرف‌هایی زد بیش از هر کس خوشحال شدم... او گفت: این‌جا خواهد ماند... این‌جا هویت آموزش و پرورش همدان است... ما این‌جا را نگه می‌داریم. بعد از او مردی دیگر کوچک او درباره من سخن گفت از روزی که من هم به خاطر ندرام باغچه‌های بودم چون همه باغچه‌ها... او گفت آثور، ۱۵۰ سال پیش



قرار شد این‌جا مدرسه ساخته شود... مانند خواب به خاطر دارم با چیده شدن آجرها روی هم من دوران بالیدن و رویدن را می‌گذرانیدم تا روزی که برای نخستین بار همان رنگ به صدا درآمد و گروهی از موسیقی را در وجود من کاشت...

خوب به خاطر دارم... آمد و رفت بچه از در غربی از کوچه آ یوسف بود. ورودی تا پله‌ها نزدیک ۸۰ متر خیابانی از میانه فضایی پرداخت... در درختان کهنسال گردو، توت، ااقایا، بید... کلاغ‌ها بالای درختان لانه داشتند.

و زمین ۱۲۰۰۰ مترمربعی باغ همه درخت بود و سبزه و گل... پادشاهان گرامی دبیرستان، تازه به خودم آمده بودم... امروز دانش‌آموزان و دبیران سال‌های پیش جمع شده بودند تا خود را بیابند... اما نه... بعدا

مو به دستم داد... صدای مهربانش هنوز بیخ گوشم است... آن دیگری گفت: این همان آقاست... دبستان که بودیم ساعت موسیقی با ویلون نوت موسیقی یاد می‌داد و سرود می‌خواندیم یادش گرمی... عشق موسیقی را در وجود من کاشت...

یکی داد زد این‌جا، این‌جا را دیده‌ای! دوستش گفت: کمی آهسته... دستش را گرفت و برد سراغ کتاب‌های درسی ۱۰۰ تا ۴۰ و ۳۰ سال پیش... این کتاب ریاضی بود یادته این فارسی بود و این علوم...

در این لحظه صدای زنگ مدرسه به صدا درآمد... بله کلاس عمومی در فضای آزاد دبیرستان، تازه به خودم آمده بودم... امروز دانش‌آموزان و دبیران سال‌های پیش جمع شده بودند تا خود را بیابند... اما نه... بعدا

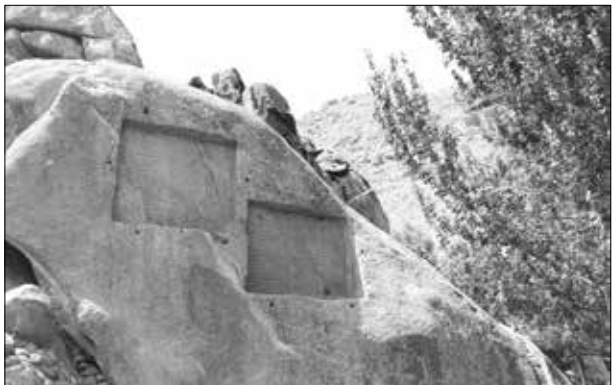
یک تابلو برای یک روستا، یک اقدام برای یک شهر



فرانسه به آمریکا رفت و با کاترین که کتابدار دانشگاه جانز هاپکینز در بالتیمور بود ازدواج کرد. آن‌ها آرزویی جز آمدن و زندگی در ایران نداشتند و نهایتاً نیز به رؤیای خود جامه عمل پوشاندند. در دوران اقامت خانواده در تهران، هر سال تابستان را در روستای ورکانه همدان که از اصلاک مهدی‌خان بود و اداره آن را پدر لیلی به عهده داشت، می‌گذراندند. در آنجا نقی‌خان درمانگاهی برای اهالی ساخته بود و به مداوای آنان می‌پرداخت.

روستای ورکانه با پیشینه‌ای چهارصد ساله در حدود بیست کیلومتری جنوب شرقی شهر همدان قرار دارد و از جمله روستاهای هدف گردشگری استان به حساب می‌آید. مری لیلی از کودکی با اسب و سواریکاری مانوس بود و با سپری شدن دوران کودکی خدمات آرزومند او نیز سمت و سوی منحصر گرفت. طی سال‌های عمرش تلاشی بی‌شائبه برای اصلاح نژاد، پرورش و نهایتاً معرفی نژاد اسب اصیل ایران کرد. برای این‌که نژاد اسب اصیل را به تأیید سازمان جهانی اسب عرب برساند، در نواحی صعب‌العبور غرب ایران سفرهای بسیاری کرد تا با پرورش‌دهندگان محلی که آگاهی‌هایی درباره نژاد اسبها و تاریخچه پرورش اسب داشتند ملاقات کند و تبارنامه‌های اسب اصیل را فراهم آورد. نخستین تبارنامه‌ای که به این ترتیب فراهم شد، در سال ۱۹۷۶ مورد پذیرش سازمان جهانی اسب عرب قرار گرفت. با این حال این تلاش‌ها سال‌ها ادامه یافت و به تدوین مجلدات دیگری از تبارنامه‌های نژادهای اسب ایرانی منجر شد. بانو مری لیلی در بیست و سوم شهریور ماه سال هزار و سیصد و هشتاد چشم از جهان فرو بست و به نقل از خدمات هشتاد ساله خود را تقدیم همگان نمود.

با این حال اگر امروز سری به روستای ورکانه



موسوم به تپه هگمتانه) گویای اهمیت فراوانی است که پادشاهان ایران به این خطه داده اند. و سرانجام همیشه همدان مهد پرورش بزرگانی بوده که از درانه‌های سرزمینان محسوب می شوند.

چند سالی است به برکت زادروز حکیم دیرامان پور سینا، یکم شهریور را روز همدان نام نهاده‌اند و در کنار آن برنامه‌هایی گاه فرهنگی و بیشتر به همت تشکلهای غیر دولتی تحت عنوان برنامه‌های هفته فرهنگی

همدان ترتیب داده می‌شود. این اتفاق فرصت مناسبی است برای آگاهی و یادآوری و زنده نگاهداشتن داشته‌های ارزشی که از حافظه‌ها کمرنگ شده و در خطر فراموشی قرار گرفته است که می‌تواند منجر به تقویت کاستی‌های امروز شود.

تجزیل بزرگان در واقع تکریم از خودمان است بزرگانی داشته‌ایم که شایسته تقدیر و ستایش‌اند و داشتن انسان‌هایی با ویژگی‌های خاص و منش والا، بیانگر فرهنگی غنی و ریشه‌ای است.

بزرگان این شهر آن‌چنان که شایسته و بایسته است، معرفی نشده‌اند. صرفاً به ذکر تعداد معدودی بسنده شده است و پاسخ به زحمات تعداد بیشماری به ورطه فراموشی سپرده شده است.

روستای ورکانه بخشی مهمی از اعتبارش را وام دار حضور و فعالیت بانوی پر تلاش و نیک اندیشی است که فعالیت‌های ارزشمندش نه تنها برای منطقه بلکه اعتباری جهانی را به همراه داشت و اتفاقی آرزومند را رقم زد.

مری لیلی فراگوزلو متولد سال ۱۳۰۶، دختر دکتر علی‌نقی فراگوزلو و کاترین لید بود. پدرش از خان‌زادگان همدان و پسر مهدی‌خان فراگوزلو سفیر ایران در آمریکا بود.

طرح و گرافیکست نامدار، یکی از آن‌ها بود. گنم رفت و با او بسیاری دیگر. همدان، یک نقاش کلاسیک‌کار هم داشت، که خود کارگردان نمایش هم بود. «خسیس» مولیر را در دهه سی، در همدان کار کرد. کی‌ای از تابلوی «لبخند زکوند» از دایوینچی زده بود، حیرت آور.

می‌گفتند آن را به موزه رم که برده بودند. آن را آن‌جا توقیف کرده بودند که می‌داد به دست «غیر» بیفتد و با آن کلاسیک‌کار غریبی بود و جز آن کارهای نامداری چون لئوناردو دایوینچی را کی‌می‌کرد که محال بود تشخیص بدهید اصل نیست: کورش ابراهیمی که گنم تا اینکه دنیا رفت. «اندره گوالویچ» و الکس گیورگیز، هر دو استادان هانیبال‌الخاص که عکاسی رنگینشان را آن‌جا راه انداختند و صدها تابلو خلق کردند، که همه به هر گوشه جهان به بیغا رفتند. این همدان بود و هست. سرزمین توان‌ها و خلاقیته‌ها در هنر. نگاریم، نسل‌های بعد از آن یاد رفته‌ها، چنان شوند.

منبع: روزنامه اعتماد

نگاه

روز همدان چشم‌انتظار روشنایی چراغ اول

حفظ خانه‌های تاریخی یک شهر برای نشان‌دادن قدمت شهرسازی و معماری و در دایره‌ای وسیع‌تر، جلوه‌های سیر تاریخ و فرهنگ سکونت اهالی شهر اهمیت دارد. می‌توان با توجه به فعالیت گروه‌های غیردولتی در زمینه‌های فرهنگی و



فرزاد سعیدی

معماری این اهمیت را برای مردم و مسئولان توضیح داد و انتظار داشت برای حفظ شاخصه‌ها و نمودهای فرهنگی و تاریخی شهر تلاش دو چندان صورت بگیرد. مالکان خانه‌های تاریخی و قدیمی اگر شاهد پویایی و روشنایی دائمی چراغ‌های خانه یا خانه‌های خود باشند، مسلماً بر حفظ آن‌ها تأکید می‌کنند. یکی از راه‌های پویایی این خانه‌ها، تغییر کاربری از مسکونی به فرهنگی یا اقامتی است.

شهر همدان از وجود خانه‌های مستعد تاریخی برای کاربری‌های مذکور بهره‌مند است. شکل‌گیری اقامت‌گاه‌های بوم‌گردی، یکی از راه‌های جذب گردشگر به همدان است و می‌توان با استفاده از معرفی مناسب و ایجاد شرایط رفاهی قابل قبول در کنار حفظ تزیینات سنتی و آجری خانه، شرایط خاطره‌انگیزی را برای اقامت یک یا چند شب نزد مسافران ایجاد کرد. خانه‌ای با حیاط مرکزی و آجرچینی‌های ورودی بسیار زیبا، شاه‌نشین و ایوانی با کتیبه‌های چشم‌نواز به همراه تزیینات داخلی مانند تاقچه‌ها و اتاق‌های مسقف چوبی یا در اصطلاح لمبه‌کوبی شده به همراه تخت و یا پیشی برای نشستن، بسیار خاطره‌انگیز است و می‌تواند بخش مهمی از فرهنگ و سنت زیست شهروندان در سال‌های نه چندان دور را برای علاقمندان به این محیط‌ها زنده کند.

راه دیگر حفظ خانه‌های تاریخی، ایجاد کاربری فرهنگی مانند فرهنگسرا، خانه‌هایی با موضوع مشخص شده مانند خانه موسیقی، خانه خوشنویسی، خانه نقاشی یا خانه معماری و شکل‌گیری موزه‌ها و نمایشگاه برای مجموعه‌داران



شهر است. تبدیل یکی از خانه‌های تاریخی همدان به نام خانه پوستی‌زاده به شکل موزه‌ای برای نمایش مجموعه‌های شخصی در این روزها مورد بحث و تبادل‌نظر است. اگر یک خانه تاریخی مالک خصوصی داشته باشد می‌توان او را مجاب به همکاری از طریق درآمدزایی و یا واگذاری خانه کرد و اگر مالک خانه یکی از نهادهای دولتی یا نیمه دولتی مانند شهرداری یا سازمان میراث فرهنگی باشد می‌توان با برنامه‌ریزی مشترک، پویایی یک کار فرهنگی مناسب را در خانه مورد نظر ایجاد کرد. در صورت فراهم بودن شرایط مالی مناسب پیشنه‌های خرید خانه‌های تاریخی و تبدیل آن به موزه‌های شخصی می‌تواند هم به سود مجموعه‌دار تمام شود چراکه یک خانه را به نام خود و مجموعه آثار تاریخی‌اش می‌زند و هم مانع از پهنه‌تراشی نداشتن بودجه برای نهادهای دولتی در خرید خانه‌های تاریخی شود.

چه خوب است به مناسبت روز همدان، چراغ یک خانه تاریخی با کاربری فرهنگی روشن شود و بتوان فکر رونق‌بخشی دوباره به خانه‌های تاریخی را توسعه داد. خانه‌های تاریخی همدان با قدمت از دوره قاجاریه، پهلوی اول و دوم می‌تواند با الگوبرداری مناسب از شهرهای دیگر مانند تهران، تبریز، شیراز و کاشان به پاتوق‌های فرهنگی تبدیل شوند. خانه معمار می‌تواند محل گردهمایی معماران شهر و با برگزاری کلاس‌ها، سمینارها و سخنرانی‌های آموزشی باشد. در کنار آن می‌تواند محل نگهداری اسناد،

تبدیل یکی از خانه‌های تاریخی همدان به نام خانه پوستی‌زاده به شکل موزه‌ای برای نمایش مجموعه‌های شخصی در این روزها مورد بحث و تبادل‌نظر است. اگر یک خانه تاریخی مالک خصوصی داشته باشد می‌توان او را مجاب به همکاری از طریق درآمدزایی و یا واگذاری خانه کرد و اگر مالک خانه یکی از نهادهای دولتی یا نیمه دولتی مانند شهرداری یا سازمان میراث فرهنگی باشد می‌توان با برنامه‌ریزی مشترک، پویایی یک کار فرهنگی مناسب را در خانه مورد نظر ایجاد کرد. در صورت فراهم بودن شرایط مالی مناسب پیشنه‌های خرید خانه‌های تاریخی و تبدیل آن به موزه‌های شخصی می‌تواند هم به سود مجموعه‌دار تمام شود چراکه یک خانه را به نام خود و مجموعه آثار تاریخی‌اش می‌زند و هم مانع از پهنه‌تراشی نداشتن بودجه برای نهادهای دولتی در خرید خانه‌های تاریخی شود.

چه خوب است به مناسبت روز همدان، چراغ یک خانه تاریخی با کاربری فرهنگی روشن شود و بتوان فکر رونق‌بخشی دوباره به خانه‌های تاریخی را توسعه داد. خانه‌های تاریخی همدان با قدمت از دوره قاجاریه، پهلوی اول و دوم می‌تواند با الگوبرداری مناسب از شهرهای دیگر مانند تهران، تبریز، شیراز و کاشان به پاتوق‌های فرهنگی تبدیل شوند. خانه معمار می‌تواند محل گردهمایی معماران شهر و با برگزاری کلاس‌ها، سمینارها و سخنرانی‌های آموزشی باشد. در کنار آن می‌تواند محل نگهداری اسناد،



عکس‌ها و یا نقشه‌های تاریخی شهر بشود. خانه خوشنویسی می‌تواند محل دائمی استقرار انجمن خوشنویسان شود تا هم کلاس‌های آموزشی برگزار کند و هم محل گپ و گفتی برای هنرمندان خوش‌نویس فراهم آورد. جمع‌آوری و نمایش آثار خوشنویسی در گالری‌های دائمی در خانه خوشنویسی یک فکر پایدار برای هنرمندان این رشته است. خانه نقاشی، کنار محل گردهمایی هنرمندان نقاش و هنرهای تجسمی، خود می‌تواند محل خلق آثار هنری و نمایش تابلوهای نقاشی هنرمندان باشد. خانه موسیقی در کنار جمع‌آوری آواها و اسناد موسیقی بومی همدان، یک پاتوق بسیار خوب برای هنرمندان موسیقی و نیز فضایی برای تمرین گروه‌های موسیقی پیش از اجرای کنسرت ایجاد می‌کند.

نهادهایی مانند استناداری، شهرداری، سازمان میراث فرهنگی، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی با ایجاد تسهیلات در صدور مجوزهای لازم و نهاد کتابخانه‌های عمومی استان، سازمان اسناد و کتابخانه ملی غرب کشور، حوزه رزین استان و انجمن سینمای جوانان همدان با ارائه امکانات آموزشی موجب دستیابی به خانه‌های تاریخی به عنوان پاتوق‌های اصلی فرهنگ و هنر همدان می‌شوند.

خیز همدان به سوی شهر هوشمند

نائب رئیس شورای شهر: به پاسخگویی و در اختیار گذاشتن عملکرد خود در اختیار مردم و رسانه‌ها اعتقاد دارم



آهن‌فروشان، کسبه و مشکلاتی از این دست در این پیاده‌راه هستیم که همه را درگیر کرده است؛ با اجرای این طرح روی معیشت مردم در آن‌جا دست گذاشتیم که باید حل شود. بادمی‌نجات با تأکید بر این‌که ابتدا باید زیرساخت‌ها را درست کنیم، گفت: اکنون تمام کوچه پس‌کوچه‌های رنگ اصلی قفل شده است در حالی که ابتدا باید پارکینگ و زیرساخت‌های مناسب فراهم و بعد پروژه پیاده‌راه‌سازی اجرا می‌شد.

وی در ادامه با دفاع از پروژه آرام‌سازی بلوار ارم، بیان کرد: با اجرای این پروژه شاهد تحقق شهر انسان‌محور در این منطقه خواهیم بود.

آسفالت همگتانه اشتباه بود
نائب رئیس شورای اسلامی شهر همدان در پاسخ به انتقاد از اقدام شهرداری در آسفالت‌ریزی در محوطه همگتانه و ثبت جهانی‌نشدن آن به دلیل این اقدام تصریح کرد: پیگیر ثبت جهانی آثار تاریخی شهر هستیم اما اینکه بگوییم این اقدام مانع ثبت جهانی همگتانه شده است، درست نیست چرا تاکنون که موضوع آسفالت مطرح نبود این اثر ثبت جهانی نشده بود.

وی با بیان این‌که اگر دنبال بهانه برای ثبت جهانی‌نشدن این اثر باشیم این موضوع بیان می‌شود، افزود: کم‌کاری شده که با وجود آثاری همچون غار علیصدر، تپه نوشیجان، گنجنامه و مانند این‌ها تاکنون حتی یک اثر هم ثبت جهانی نشده‌ایم؛ البته نباید همه بار را به دوش شهرداری بیاندازیم باید مطالعه را از همه جا داشته باشیم.

بادمی‌نجات با بیان این‌که متأسفانه تاکنون پرونده‌ای برای ثبت جهانی به یونسکو منتقل نشده است، تأکید کرد: آوردن یونسکو به همدان با اجرای همایش «جاده ابریشم» و استفاده از این ظرفیت یکی از راه‌ها برای کمک به ثبت جهانی آثار است.

نائب رئیس شورای اسلامی شهر همدان تأکید کرد: اعتقاد داریم مسأله اصلی شورا سیاست‌گذاری و نظارت است اما متأسفانه قوانین ما در شوراها ناقص است و شوراها ما شوراها را شهرداری‌ها هستند. وی با بیان این‌که شورا باید طرح بدهد و عملکرد آن به اقدامات و طرح‌هاست، توضیح داد: از شروع دور پنجم شورا اولین اقدام ترمیم مرکز مطالعات به این منظور بود و این امر محقق شده است؛ طرح‌های بهنام، شهاب، سما و فکه نتیجه این اقدامات بوده است.

اجرای طرح شهاب تا ابتدای زمستان
بادمی‌نجات با اشاره به مزایای طرح «شهاب»، اظهار کرد: تا ابتدای زمستان امسال باید این طرح اجرا شود چراکه با اجرای آن شاهد شفافیت در شورا و شهرداری و اتفاقات خوبی خواهیم بود. وی با بیان این‌که با توجه به تأکید بر شفاف‌سازی از ابتدای ورود به شورا فهرست اسامی و حقوق دریافتی خود را مشخص کردم، گفت: آن‌چه تاکنون در خصوص شفاف‌سازی در شورا و شهرداری دنبال می‌کردیم هنوز رخ نداده چراکه زیرساختی نداشتیم و با اجرای طرح شهاب این امر محقق خواهد شد. شورای اجتماعی محلات
وی به ایجاد شورای اجتماعی محلات اشاره کرد و افزود: شورای اجتماعی محلات به شورا و مدیریت

بزرگترین فرهنگسرای کسب و کار به منظور توسعه این مهم در منطقه کوی خضر ایجاد شد. نائب رئیس شورای اسلامی شهر همدان با تأکید بر این‌که با اقدامات در حوزه کسب و کار در نظر داریم، اشتغال خانگی را در مناطق حاشیه‌ای و کل شهر گسترش دهیم خاطر نشان کرد: شهرداری و شورای شهر در این حوزه نیز به وظیفه خود عمل کرده است؛ فرهنگ کار و درست کار کردن باید آموزش داده شود. شهر هوشمند

وی در ادامه با بیان این‌که بعد از گذشت دو سال از عمر شورای پنجم شاهد هستیم زیرساخت‌های فناوری در شهر در حال تکمیل است یادآور شد: به جرات می‌گویم در دوره‌های قبل اتفاقی در این حوزه رخ نداده بود. بادمی‌نجات با اشاره به اعتقاد ۹ قرارداد در سازمان فناوری شهرداری به منظور توسعه فناوری در شهر و ایجاد شهر الکترونیک اظهار کرد: با دو بانک ایران زمین و بانک شهر و شرکت ایرانسل قراردادهایی به این منظور منعقد شده است.

نرم‌افزارهای به روز
بادمی‌نجات گفت: نرم‌افزارهای شهرداری کاملاً به‌روز شده است. نرم‌افزار رایورز و حسیب از جمله نرم‌افزارهای تعریف شده در راستای تحقق توسعه



اقدامات مناسب در حاشیه شهر

نائب رئیس شورای اسلامی شهر همدان با بیان این‌که ۳۰ درصد جمعیت شهرنشینی کشور در حاشیه شهر زندگی می‌کنند، توضیح داد: در مناطق حاشیه شهر همدان نیز توسعه متوازن نبود اما اخیراً اقدامات خوبی صورت گرفته است. بر این اساس به منظور جلوگیری از ساخت‌وساز در مناطق حاشیه شهر و توانمندسازی شده پروژه ساخت تا ۲ و نیم طبقه در این مناطق رایگان شد و به لحاظ ارائه خدمات عمرانی در شورای دوره پنجم توسعه متوازن شکل گرفته و در این مناطق نیز خدمات با به پای شهر پیش می‌رود.

بادمی‌نجات با اشاره به این‌که خودم کارآفرین هستم و به انجام اقدامات اساسی در حوزه کسب‌وکار اعتقاد دارم، تصریح کرد: هرچه بخواهیم شهر را توانمند و عمرانی کنیم هیچ کاری موثرتر از توانمندسازی اقتصادی نیست؛ سازمان‌های مختلف اولویت‌های کشور را که امروز اقتصاد و اشتغال است، اجرا کنند.

وی به اجرای دو طرح «پنهام» و «فکه» در حوزه کسب و کار در شهر اشاره کرد و ادامه داد: طرح «فکه» در کشور و در نوع خود بی‌نظیر است؛

سلامت

پروژه‌های سلامت روی ریل توسعه

معاونت توسعه مدیریت و منابع دانشگاه علوم پزشکی ابن سینا از پیشرفت پروژه‌های این دانشگاه می‌گوید



ساخت ۱۷ مرکز جامع سلامت
سرپرست معاونت توسعه مدیریت و منابع دانشگاه علوم پزشکی ابن سینا درباره وضعیت پایگاه‌ها و مراکز جامع سلامت در استان همدان توضیح می‌دهد: ۵۰ مرکز جامع سلامت تکمیل شده و ۱۷ مرکز نیز در حال ساخت است. این پروژه‌ها ۱۶۷ میلیارد ریال اعتبار نیاز دارند و با ۱۱ هزار مترمربع مساحت مجموعاً به ۴۰ درصد پیشرفت فیزیکی رسیده‌اند. نیاستی پروژه اسپیکل لب را از دیگر پروژه‌های مهم عنوان می‌کند و می‌گوید: ساخت این پروژه در ۷۰۳ مترمربع و با ۱۷ میلیارد ریال به اتمام رسیده است.



می‌کند و درباره طرح توسعه مرکز آموزشی درمانی بعثت توضیح می‌دهد: اجرای طرح توسعه اورژانس این مرکز آموزشی درمانی از سال ۱۳۹۴ آغاز شده و منبع تأمین اعتبار آن از محل طرح‌های طرح جامع تحول سلامت است. این پروژه در سه طبقه تعریف شده که طبقه زیرزمین آن مرکز مهارت‌های بالینی خواهد بود. طبقه همکف اورژانس محسوب می‌شود و طبقه اول پاپیون استراحت پزشکان و کارکنان اورژانس خواهد بود.

وی ادامه می‌دهد: این پروژه در هزار و ۷۰۰ مترمربع تعریف شده و اعتباری که برای بخش عمرانی و تجهیزات آن در نظر گرفته شده ۱۱۵ میلیارد ریال است. با بهره‌برداری از این پروژه ظرفیت پذیرش و ارائه خدمات به مراجعان بخش اورژانس ۵۰ درصد افزایش پیدا می‌کند و یکی از بزرگترین اورژانس‌های کشور خواهد بود.

سرپرست معاونت توسعه مدیریت و منابع دانشگاه علوم پزشکی ابن سینا درباره طرح توسعه بخش اورژانس مرکز آموزشی درمانی امام حسین (ع) ملایر نیز توضیح می‌دهد: با توجه به افزایش جمعیت و نیازهای شهروندان ملایر اورژانس فعلی این مرکز آموزشی درمانی پاسخگو نیست.

نیاستی می‌افزاید: برای این پروژه ۵۰ میلیارد تومان هزینه خواهد شد و تاکنون ۶۰ درصد پیشرفت فیزیکی دارد. این مرکز ۲ میلیارد تومان تجهیزات لازم دارد و در دو طبقه با ۴ هزار و ۲۰۰ مترمربع زیربنا و مطابق با استانداردهای جهانی در حال ساخت است. وی درباره طرح توسعه اورژانس مرکز آموزشی درمانی فاطمیه نیز می‌گوید: با توجه به طرح تحول نظام سلامت و افزایش مراجعین و مشکلات فضای فیزیکی بیمارستان فاطمیه پیگیری‌های لازم صورت گرفته و اقدام به ساخت پروژه ساختمان چهار طبقه هر طبقه به متراژ ۱۵۰۰ متر مربع شامل بخش‌های اورژانس، بلوک زایمانی، مراقبت‌های ویژه نوزادان، ناپاروری شده که با تأمین بودجه امید است پروژه تا سال ۹۹ به اتمام برسد تا بتوانیم در ارائه خدمات به مردم شریف همدان پیشرفت روزافزون داشته باشیم.

ساخت خوابگاه دانشجویی
این مقام مسئول با بیان این‌که دانشگاه علوم پزشکی ابن سینا یکی از دانشگاه‌های پیش‌تاز در زمینه پذیرش دانشجو در رشته‌های پزشکی و پیراپزشکی است، برای رفاه حال دانشجویان در خصوص تأمین خوابگاه‌های جدید، اقداماتی در دست اجرا داریم، تصریح می‌کند: خوابگاه جدیدی به متراژ ۷ هزار متر مربع و با اعتبار ۱۵۰ میلیارد ریال در حال احداث بوده که تاکنون اسکلت‌بندی خوابگاه‌ها انجام شده و فونداسیون آن در حال پی‌ریزی و اجرا است. می‌توان گفت این پروژه ۲۰ درصد پیشرفت فیزیکی دارد.

بیمارستان ۱۰۰ تختخوابی ملایر
سرپرست معاونت توسعه مدیریت و منابع دانشگاه علوم پزشکی ابن سینا از ساخت بیمارستان ۱۰۰ تختخوابی در روستای جراب ملایر خبر می‌دهد و

همدان نامه: معاونت توسعه مدیریت و منابع دانشگاه علوم پزشکی ابن سینا به‌رغم اعمال تحریماها و مسائل و مشکلات مالی که کشور را درگیر خود کرده، هیچ پروژه‌ای را در حوزه سلامت متوقف نکرده است. در این گزارش «فریبرز نیاستی» سرپرست معاونت توسعه مدیریت و منابع دانشگاه علوم پزشکی ابن سینا به بخشی از پروژه‌هایی که توسط این معاونت در حال اجراست، اشاره می‌کند و درباره آن‌ها توضیح می‌دهد.

مرکز جامع سرطان بنیاد فرشیجان
سرپرست معاونت توسعه مدیریت و منابع دانشگاه علوم پزشکی ابن سینا می‌گوید: این پروژه به متراژ ۲۳ هزار مترمربع و با اعتبار ۸۳۰ میلیارد ریال سهم دانشگاه علوم پزشکی ابن سینا در بیمارستان بعثت در حال ساخت است. این پروژه با ۲۲۰ تختخواب به صورت مشارکتی با خانواده فرشیجان در حال اجراست و رادیوتراپی بخش کوچکی از آن است. این پروژه ۳۵ درصد پیشرفت فیزیکی دارد.

نیاستی توضیح می‌دهد: مرکز جامع سرطان استان همدان یکی از پروژه‌های مهم عمرانی دانشگاه علوم پزشکی ابن سینا است که کلنگ‌زنی آن از سال ۱۳۹۶ در مرکز آموزشی درمانی بعثت همدان





نسرین زندی خبرنگار

○ یکی از هزاران مقدمه یک کار بزرگ‌تر



«بابک رضایپور» در مراسم رونمایی از کتاب «یکی از هزاران» نوشته علیرضا ذکاوتی قراگزلو گفت: ذکاوتی مایه افتخار و شهرت این شهر است. تالیف کتاب یکی از هزاران مقدمه یک کار بزرگتر است و معرفی شخصیت‌های رمان اصلی است.

رضایپور در ادامه افزود: ما دو نقص عمده در حوزه فرهنگ ایرانی داریم؛ یکی فقدان تواریخ محلی که بیشتر درباری بودند یا به سفارش نوشته شده‌اند و به ندرت تا پیش از مشروطیت سرگذشت‌نامه‌هایی که گوشه‌ای از واقعیت‌های اجتماعی را منعکس کند به چشم دیده‌ایم. بعد از مشروطه به‌ویژه پس از انقلاب بیشتر شد. مسئله دیگر این است که ما ادبیات داستانی به آن شکلی که حتی پیش از رنسانس در غرب رایج بود، نداریم. جامعه‌شناسی و روان‌شناسی به توسعه ادبیات دراماتیک و داستانی کمک کرد و شکل روایت عوض شد رمان‌های ۵ جلدی الکساندر دوما به مرور زمان جای خود را به مینیمالیزم داد. این باید به عنوان فتح بابی تلقی شود که بزرگانی همچون ذکاوتی، ادکایی و دیگران باید این کتاب‌ها را بنویسند چراکه اگر نوشته نشود بی‌شک بخشی از تاریخ ادبی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی ما از دست خواهد رفت. وجود این کتاب‌ها در کنار کتب رسمی که معمولاً منتشر می‌شوند روشنگر شرایط تاریخی است که مردم این شهر به عنوان بخشی از ملت ایران سپری کرده‌اند.



وی افزود: برای مثال شما در این داستان با زااری مواجه می‌شوید که زراعت و پاسخگوی شرایط مالی‌اش نیست و به‌ناچار هرچه دارد را می‌فروشد این قسمت به پیدایش بوزروای روستایی که در قالب یک دکان-دار روستایی تعریف شده است، اشاره می‌کند. از طرف دیگر ذکاوتی در این نوشتار اشاره‌ای که به ماهیت ملک‌داری و زمین‌داری در ایران کرده، بسیار مهم است. ملک‌داری و زراعت در ایران عملاً به جز کسانی که املاک آبی داشتند و یا توانایی مالی برای استخدام نیروی کار داشتند برای بقیه چیزی جز گذران مشقت‌بار زندگی نبود. سال ۱۳۳۵ براساس اولین سرشماری رسمی که زیر نظر آمریکایی‌ها انجام شد نزدیک ۷۵ تا ۸۰ درصد مردم این مملکت روستانشین و ۲۰ درصد شهرنشین بودند. ما در حوزه کشاورزی مازاد تجاری هم داشتیم. مصدق در ۲ سالگی که نفت فروش نرفت با فروش محصولات کشاورزی و دامی مملکت در اداره کرد در آن سال‌ها کمبود مشهودی احساس نمی‌شد. از سال ۱۳۳۵ تغییرات گسرفی اجتماعی در ایران ایجاد شد که ذکاوتی در این کتاب داستان را از آن‌جا شروع و یک نقطه عطفی را مشخص کرده است. درست است در مشروطیت یک موج مهاجرت آذربایجانی به مناطق مرکزی یا در ماجرای حزب دموکرات آذربایجان و کردستان نیز یک موج مهاجرت داشتیم اما هیچ یک به وسعت مهاجرتی نبود که در ۴۰ به‌خصوص از سال ۳۵ به بعد آغاز و در سال ۴۲ توسط اصلاحات گسرفی کانالیزه شد و پس از انقلاب به شکل انفجاری جامعه ایران را به شکل هرم وارونه درآورد ۸۰ درصد جمعیت شهرنشین و ۲۰درصد جمعیت روستانشین شدند که آن‌ها هم تمایلی به ماندن در روستا ندارند چون روستانشینی نمی‌تواند نیازهای اجتماعی و فرهنگی آن‌ها را پاسخ بگوید. این نقطه عطفی که ذکاوتی در کتابش آغاز کرده سراغ یک روایت معاصر حقیقی برای این مملکت است.

رضایپور تا تأکید کرد: این کتاب یک رنجامه است و برای من بسیار واقعی و ملموس است. از طرفی بسیار خوشحال شدم که یکی از نویسندگان همدان که در حوزه ترجمه، ادبیات عرفانی، کتابگزاری و ادبیات ایرانی است از آن حوزه کمی فاصله گرفته و به سمت آن‌چه که به نظر من به مذاق خیلی از نسل نو خوش می‌آید چون این نسل عادت به مطالعه جدی ندارد چون با سریال و رمان رشد کرده و رمان و داستان را خیلی راحت‌تر جذب و فهم می‌کند. این کتاب آن‌قدر ارزش و اعتبار دارد که به عنوان یک سند در مورد تاریخ اجتماعی جامعه روستایی و حاشیه شهری همدان در میانه دهه ۳۰ و ۴۰ مورد توجه قرار بگیرد. شاید بتوان گفت کتاب خاطرات رحیم نامور نویسگرانی به نام سیاه‌های گذشته که کتاب کامیابی است و از یکصد سال پیش البته نه با این ظرافت از کودکی شروع کرده، با این کتاب قابل مقایسه است.

این نویسنده و پژوهشگر گفت: نثر کتاب یکی از هزاران فوق‌العاده است. حالت تلگرافی دارد و خیلی کوتاه است. ضرب آهنگ تندی دارد. از تعابیر زیاد، پیچیده و نامتعارف استفاده نکرده است. این نثر را می‌توان یک نمونه درخشان از نثر داستان‌نویسی ایرانی دانست، به نظر من این کتاب به لحاظ واژگان اختصاصی خود در حوزه جغرافیایی ایران به دو کتاب نفرین زمین جلال آل احمد و کتاب‌های منصور یاقوتی نزدیک است.

○ یکی از هزاران درمزه داستان‌های اقلیمی

یکی از هزاران در همدان

مراسم رونمایی کتاب «یکی از هزاران» نوشته استاد «علیرضا ذکاوتی قراگزلو» در دفتر هفته‌نامه همدان‌نامه برگزار شد



۲۲

استاد علیرضا ذکاوتی قراگزلو در یک خاندان مذهبی، علمی و عرفانی متولد شده و رشد یافته است. پدرش شیخ علی اصغر ذکاوتی قراگزلو مخلص به «زمنم همدانی» عالم، ادیب، خطیب، عارف، مدرس و شاعر بوده است. مادرش از خاندان حاج محمدجعفر کیودرآهنگی (مجدوب) از اعرافان نامدار قرن سیزدهم هجری است. او زاده ۱۳۳۲ در همدان نویسنده و پژوهشگر ایرانی است. از آثار متعددی در زمینه ادبیات فارسی و عرفان اسلامی منتشر شده است. ذکاوتی پس از انقلاب نقدهای بسیاری بر آثار کلاسیک ایران نوشته، تحقیق و ترجمه کرده است و در هر دو رشته ادبیات ابداعی و ادبیات تحقیقی و نیز ترجمه از عربی به فارسی آثار متعددی پدید آورده است. عرفانیات، عمر خیام و ترجمه ماسلن ادرن قهارم و پنجم از جمله آثار اوست. اثر دیگری که از او به چاپ رسیده یکی از هزاران است. یکی از هزاران داستان خانواده‌ای روستایی است که پس از اصلاحات ارضی به همدان

بعدها خیلی از آن‌ها به صورت داستان‌هایی در آمدند را

نیز داستان‌نویسی اقلیمی ما پشت سرمی گذارد تا به دهه ۴۰ و ۵۰ که اوج اقلیمی‌نویسی است و نویسندگان بزرگی مثل دولت آبادی، ساعدی، یاقوتی، درویشیان، احمدحمود و بسیاری از نویسندگان جنوب سربرمی-آوردند.

وی ادامه داد: جالب است به تعبیر علیرضا ذکاوتی داستان‌های یک رنگ رئالیستی خیلی قوی دارد همان رئالیسمی که ما در داستان‌های اقلیمی بیشتر شاهد آن هستیم. می‌توان گفت داستان‌های اقلیمی با صرف نظر از چند داستان رئالیسم در آن‌ها بسیار قوی است و تأثیر خود آل احمد هم در دهه ۴۰ که در جریان اقلیمی-نویسی دخیل بود چشمگیر است. پیوندی که یکی از هزاران علاوه بر رئالیستی بودن با بحث اقلیمی نویسی پیدا می‌کند این است که دوره‌ای که تب اقلیمی‌نویسی یعنی همان دهه ۴۰ وجود دارد را روایت می‌کند. در کتاب ذکاوتی از داستان‌های هم به همین صورت است مخصوصاً آن‌ها که از روستا شروع می‌شود. بسیاری از اصطلاحات روستایی که در این داستان آمده نیز این اثر را با اقلیمی نویسی پیوند می‌دهد.

این نویسنده گفت: مهم‌تر از همه این‌ها گوشه چشم انتقادی در زمینه ادبیات ارضی که بسیاری از داستان‌های دهه ۴۰ در دوره اقلیمی‌نویسی با گرایش‌های انتقادی نسبت به اصلاحات ارضی ششاه از سال ۴۱ تا ۴۷ بود مثل جای خالی سلوج دولت آبادی، حتی غزاله علیزاده عاشقانه در زمینه ادبیات ارضی و مخصوصاً شهر همدان است. زیر بازارچه نظریه‌گ همین مسئله را با تمرکز بر فرهنگ و آداب و رسوم منطقه نشان می‌دهد در کتاب مانده نیز تمرکز بر فرهنگ و آداب و رسوم در زمینه تأثیر جنگ بر شهر همدان را شاهد هستیم.

وی افزود: در پژوهش‌هایی که در حوزه ادبیات اقلیمی تا سال ۵۷ انجام داده‌ام و سال گذشته به صورت کتاب منتشر شد که من آن را به ۵ حوزه تقسیم کرده‌ام و حوزه غرب یکی از آن‌هاست و منطقه کردستان و کرمانشاه منصور یاقوتی، علی اشرف درویشی و بعضی از داستان‌های علی محمد افغانسی را دربرمی‌گیرد تا سال ۵۷ که من بررسی کرده‌ام در منطقه همدان چیزی نیافتم. این رمان مرا به یاد روز سیاه کارگر و روز سیاه رعیت احمد خداداده تیموری کرد دینهوری انداخت که به تعبیر من اولین رمان‌های اقلیمی هستند که در سال ۱۳۰۵ و ۱۳۰۶ چاپ شدند. آغاز داستان‌های اقلیمی که از ۱۳۰۵ شروع می‌شود تا سال ۱۳۲۶ چیزی نداریم. گبله مرد بزرگ علوی که در شمال می‌گذرد و یکی از بزرگترین داستان‌های اقلیمی است و کارکرد پویای طبیعت اقلیمی شمال را روایت می‌کند را داریم، رمان دختر رعیت اعتمادزاده که سال ۱۳۲۷ و در نهایت یک سال پس از آن چرا دریا طوفانی شده بود از صادق صادی در دسته داستان‌های اقلیمی قرار می‌گیرند. چوک‌فی شهرپور توضیح داد: این آثار آغاز داستان‌های اقلیمی است که ما شروع آن را در دهه ۲۰ می‌بینیم و در نهایت در دهه ۳۰ و مخصوصاً ۴۰ جریان این



«جواد دانش آرا» یکی از هزاران را در شکل کنونی آن یک داستان بلند بربنمای رئالیسم اجتماعی تا به رنگ

ناتورالیستی و برپایه قصه‌های ایرانی دانست.

وی گفت: تکوین شخصیت دوره جوانی علیرضا ذکاوتی با زمانی که رئالیسم اجتماعی در میان جوانان و روشنفکران ایرانی بیشترین بخش را دارد مقارن می‌شود. طبیعتاً نگاه به جامعه در نویسنده جوان به این ترتیب شکل می‌گیرد. در مجموعه رمان‌هایی که او در جوانی می‌خوانده لایند تنش میان طبقه فرادستان و فرودستان خیلی پر رنگ و پرتنش بوده است. بسیاری از آن نویسندگان خود و قلمشان را قسمتی از التزام حزبی یا سمپاتی‌کردن در اختیار نوشته خود قرار می‌دادند. نویسنده جوان از این فضاها تأثیر می‌پذیرد و رنگ می‌گیرد. او با توجه به عوامل زیادی التزامی به آن تئوری نداشته بنابراین نوع استفاده‌ای که از آن سخن ادبی کردن بیشتر استفاده‌های معطوف به زیست خود او بود. ذکاوتی از شالوده اجتماعی آن روزگار به عنوان اسبابی برای توصیف وقایع و وسیله‌ای برای ورود به زندگی می‌شوند اختیار و توان حل مسئله‌ای ندارند. بلندگویی یکی از هزاران را با بسیاری از نوشته‌های دیگر مقایسه کنید تا میزان هسواداری، تنش‌های پررنگ و راه حل را در نوشته‌های دیگر ببینید که در این داستان به یک سو نهاده شده است چون ذکاوتی تعلقی به نگاه الزام‌آور نداشته است.

دانش آرا توضیح داد: نکته دوم آن ته رنگ ناتورالیستی است که بلافاصله در این رمان به چشم می‌خورد. در تعریف ناتورالیسم فرد در تقابل با طبیعت و در شهر در تقابل با نیروهای شهری یا در اجتماع در تقابل با نیروهای اجتماع تحطیل می‌رود، شکست می‌خورد و حرارت درمان‌ناپذیر او مسجل می‌شود. در ظاهر در این رمان هم همین اتفاق می‌افتد و خواننده متوجه می‌شود آدم‌ها اختیار چندانی ندارند در نکبت و فلاکت رانده می‌شوند اختیار و توان حل مسئله‌ای ندارند. ذکاوتی‌نظر به تکوین شخصیت خاصش خود را به تمام پیامدها الزام‌های تئوری سبک ناتورالیسم منتقد نمی‌داند چون با دستگاه باورهای او در تضارش بوده است یعنی متزیالیسمی که پیاده ناتورالیسم است و رئالیسم را به یک فاجعه اجتناب‌ناپذیر تبدیل می‌کند دترمینیژیسمی که در ذات ناتورالیسم است با میزان اختیار شخصی مثل ذکاوتی که برای بشر قائل هستند و نمی‌توانند جز این ببینیشند در مغایرت و تعارضی می‌افتد.

وی افزود: نکته بعدی با توجه به اینکه این رئالیسم اجتماعی با ته رنگ ناتورالیسم برپایه قصه ایرانی بنا شده است در این‌جا به نالمبیدی و سرخوردگی دوستان جوان‌تر نزدیک‌تر می‌شویم قصه ایرانی برخلاف داستان پدیدایش رمان غربی با حوادث شگرف رقم نمی‌خورد. قصه ایرانی با حکمت و آموختن از زندگی همیشه رقم خورده است. ذکاوتی وجه حکمت آموزی را از داستان حذف کرده است. اما آن‌چه قصه ایرانی را سهل می‌کند و خوانندگان را در قدیم خیلی وسیع و امروزه خیلی سرخورده می‌کند همان وجه ساده شده نمونه‌وار زندگی است. قصه ایرانی به ساختن شخصیت‌های خیلی پیچیده اهتمام نمی‌کند و لزوماً رخدادهای زندگی را پیچیده‌سازی نمی‌کند وجه سهل و نالمبیدکننده قصه ایرانی این است که خواننده بعد از خواندن آن می‌پرسد تکلیف ما با آن چیست برخلاف قصه غربی که خواننده را مرعوب می‌کند و تکلیف همان فهم پیچیدگی پیش‌رو است. داستان ذکاوتی را نمی‌توان تحلیل تکنیکی، تحلیل محتوایی پیچیده کرد شخصیت‌ها وجوه پنهانی ندارند، لایه‌های معنایی چندگانه‌ای در کار نیست پس تکلیف خواننده با این رمان چیست؟ وقتی به شاخص‌های قصه ایرانی



«مرتضی موسوی پورورش» در این نشست گفت: درست است که ذکاوتی رمان نوشته است اما دریند نظریه رمان و با نظریه مکتب نبوده است. مطالب ذاتی نوشته شده است از یک سری شیوه‌ها استفاده کرده است اما به گفتمان آن شیوه پایبند نبوده است.

پورورش با اشاره به زمان رمان که از سال ۳۶ شروع شده و تا ۴۴ ادامه داشته است، افزود: دوره خاصی است، بین سقوط مصدق تا آغاز انقلاب مذهبی که در کشور در حال شروع است. غیر از چند جا خواننده مستقیم شاهد وصل داستان با اتفاقات و تنش‌های سیاسی کشور نخواهد بود. همچنین شخصیت‌های رمان اگر رمان ارتباطی به واقعیت داشته باشد چندان متوجه و تحت تأثیر حوادث آن زمان نبودند.

وی در پایان گفت: این کتاب ساختار یک رمان را دارد اما ممکن است ما به نظریه‌های قبل که از

بربنمای سنت ایرانی توجه کنید می‌ببیند که زیست خود مولف همین است.

○ داستان بی‌طبقه‌ها

«علیرضا پورمسلمی» بستر اجتماعی داستان را جالب توجه دانست و گفت: قسمت اعظم این داستان در حاشیه‌نشینی می‌گذرد. بعد از انقلاب سفید و اصلاحات ارضی دو دستگی در روستاییان به وجود می‌آید یک دسته روستاییان بهره‌مند و یک دسته غیربهره‌مند که عین الله داستان در دسته غیربهره‌مند جای می‌گیرد و کربلایی حسین جزو بهره‌مندان محسوب می‌شود. برای غیربهره‌مندان مشکل اقتصادی به وجود می‌آید که مهاجرت و حاشیه‌نشینی را در پی خواهد داشت. حاشیه‌نشینی را در چند بعد می‌توان بررسی کرد. یک بعد حاشیه‌نشینی، بعد اجتماعی است. این افراد طبقه اجتماعی ندارند و در تمام داستان بی‌طبقه بودن این افراد کاملاً مشهود است. از لحاظ سیاسی نیز تهدیدی برای نظم عمومی شهرها محسوب می‌شوند. از نظر اقتصادی هیچ درآمد خاصی ندارند. به لحاظ فرهنگی نیز حاشیه‌نشینان هیچ الگوی شهرنشینی ندارند.

وی در ادامه تفاوت مهاجرت به شهرها در دهه ۴۰ و ۹۰ را مورد بررسی قرار داد: مهاجرت روستاییان به شهرها بعد از جنگ ممکن است لزوماً به کار سیاه کشیده نشود ممکن است در ادارات دولتی برای آن‌ها جایگاهی وجود داشته باشد. در این دوره مشکلات دیگری پیش می‌آید، حاشیه‌نشینی کم خواهد شد و مشکلات فرهنگی عمدتو و ناهماهنگی فرهنگی در شهر ایجاد خواهد شد.

○ ساختاری متفاوت

رمان داریم ارجاع نکنیم به نظر می‌رسد این رمان از جنس کلاسیک است که رمان‌های کلاسیک باید با شکوهندی به پایان برسند اما این رمان این ویژگی را ندارد. به نظر من به شخصیت‌ها مربوط می‌شود و شخصیت‌های داستان هیچ لحظه شکوهندی ندارند که پایان شکوهندی در زندگی داشته باشند.

○ درون مایه اثر را بررسی کنیم



«محمدرضا یوسفی» نویسنده حوزه کودک و نوجوان در این نشست خاطر‌نشان کرد: یک رمان نمی‌تواند هم رئال کلاسیک، ناتوارل، سمبلیک و هم رئال سوسیال باشد چون هریک از آن‌ها به لحاظ ساختار تعریفی جداگانه دارند. کمکی که ما می‌توانیم به نویسنده بکنیم این است که نوشته‌اش را تنها از نظر درون‌مایه بررسی نکنیم چرا که درون‌مایه یک عنصر است. یک نقد سنتی وجود دارد که فقط به درون‌مایه می‌پردازد. این داستان یک دهه را دربرمی‌گیرد زمانی که مبتنی بر خبر باشد به یقین از نظر عناصر دیگر داستان کم و کاستی-هایی دارد. تعریف من از رمان، جزئی‌نگری در عناصر است. در ادبیات هیچ‌گاه ما تعریف جامع و مانع نداریم پس اگر می‌خواهید به علیرضا ذکاوتی قراگزلو کمک کنید عناصر، فرم و مخصوصاً روایت داستانش را بررسی کنید تا مشخص شود نوشته‌اش در چه سبک و ساختاری قرار می‌گیرد.

○ سند ماندگار



«حسین زندی» برگزدار کننده این نشست با ابراز تشکر از جواد دانش آرا به دلیل پیشنهاد این کتاب و حضور چهره ای ادبی شهر در این برنامه گفت: جدای از ساختار و فرم کتاب یکی از هزاران، ارزش تاریخی و فرهنگی این اثر است. این کتاب یک سند ماندگار است به دلیل این‌که بخشی از خرده فرهنگ ها و اصلاحات دوره مالک و رعیتی را در خود جای داده است.

زندی افزود: بر اساس این کتاب می‌توان فرهنگ لغات کوچکی نوشت و اصلاحات و واژه‌های یک دوره تاریخی را بررسی کرد. امروز اگر از کسی پرسید علاقه رعیتی، متوجه نمی‌شود که منظور مایملک کشاورزی یک زارع است و یا جفت کشت و کار اصطلاحی تخصصی منسوخ شده است که در این کتاب آمده است. ده نمونه دیگر در این کتاب دیده می‌شود. یا آن‌جا که اشاره می‌کند به ریختن گندم در کیسه درویش، اشاره دارد به یک باور کهن که درآیین‌های برداشت مرسوم بوده است.

○ الگویی به نام زبان



«سعید پورعظیمی» با بیان این‌که زبان یک اثر بسیار اهمیت دارد و در نوشته ذکاوتی اگر هیچ یک از عناصر را نتوان یافت که الگو باشد، زبان آن می‌تواند الگوی داستان‌نویسی باشد. گفت: زبان یکی از هزاران، زبان فارسی سالم، شسته رفته و خیلی خوبی است که در آن جملات کوتاه و ساده بیان شده است و توصیفات خوبی دارد.

○ مانند دیگران ننویسیم



«علیرضا ذکاوتی قراگزلو» نویسنده کتاب یکی از هزاران در پایان مراسم به پرسش‌ها و انتقادات حاضرین پاسخ داد: نباید انتظار داشت هرچو که دیگران نوشته‌اند ما هم بنویسیم. آن‌که مانند دیگران بنویسد مقلد است و این یک ارزش منفی محسوب می‌شود. ذکاوتی درمورد روایان داستانش گفت: بخش اول که سوم را دانای کل روایت می‌کند. او در پاسخ به این‌که اثرش هیچ جلوه عاطفی ندارد، گفت: اتفاقاً جلد اول کتاب پر از جلوه‌های عاطفی است. من امیدوارم جلد دوم کتاب منتشر شود. آنگاه مخاطبان به پاسخ پرسش‌های خود می‌رسند.

عباس شیخ بابائی و پرندگان دور پروازش



اولین بار در حین تدریس کلاس‌های سینمای آزاد، عباس شیخ بابائی را دیدم. تا جایی که یادم می‌آید و برخلاف دیگر کارآموزها ساکت و صامت گوشه کلاس نشسته بود. آن روزها / سال ۵۲ و ۵۳ / دور دور سینمای جان فورد، لوییس بونول، برگمان، فلیسی و... بود و سینما در این چهار پنج کارگردان خلاصه می‌شد. مسئول سینمای آزاد همدان سعید بنی صدر با همه بچه‌ها دوست و رفیق بود و صادقانه در پی توسعه سینمای هشت میلی‌متری در همدان آقا و یا به کافه عمو حاجلی می‌رفتیم و بعد از صرف عصرانه مشدی پیاده راه خانه را در پیش می‌گرفتیم. در مسیر برگشت هم بحث درباره سینما، قصه و عنوان آخرین کتاب‌های منتشر شده تا دیر وقت ادامه می‌یافت و گاه به برخورهای لفظی می‌کشید و گاه به قهر و آشتی‌هایی که عمرش به یک هفته هم نمی‌رسید. در قیاس با همسن و سال‌های امروز به صراحت اعلام می‌کنم همه بچه‌ها اهل مطالعه سنگین بودند و کتاب‌هایی که تازه منتشر می‌شد بین ده تا پانزده نفر دست به دست می‌شد. رمان‌های کلاسیک جهان مثل بالزاک، دیکنز، هو گو و همینگوی و فاکتر را خوانده بودیم و از این بابت هیچ کم و کسری نداشتیم. در مورد نویسندگان و شاعران نو و کهنه پرداز هم به‌روز بودیم. اکثر بچه‌ها اشعار زنده یاران احمد شاملو، سهراب سپهری و اخوان را حفظ بودند.



محمدحسین شایان
 پیشکوت تئاتر

دور دور موسیقی هم آقارضای بابائی کاستی‌هایمان را پیر می‌کرد و با سواد تخصصی‌اش در این عرصه به همه سولات ما جواب می‌داد. دور دوره آموزش فلسفه در تهران بود و شرکت در کلاس‌ها مزیتی بود و هرکس سعی می‌کرد هر طور شده از این کلاس‌ها هگل - دکتر خوئی و دکتر محمود عنایت رئیس دانشکده هنرهای دراماتیک - دکتر آریان پور جامعه‌شناسی و جلال آل احمد و دیگرانی که ذکر نام تمامی آن‌ها در حوصله این مقال نیست، فیض ببرد.

عجیب این‌که روزی یکی از دوستان وقتی موضوع را فمید ما را به کلاس‌های فلسفه در حوزه علمیه مرحوم آخوند ملاعلی راهنمایی کرد. در یک روز دوشنبه با تردید به حوزه رفتم و بعد از مدت‌ها عباس شیخ بابائی را دیدم. مدرس ما مرحوم حاج آقا مصطفی هاشمی پیش‌نماز سابق مسجد میرزا تقی فلسفه مشاء، حکمت مدرسی ملا صدرا و شیخ اشراق را تدریس می‌کرد. بدون پاچه‌خواری و چالپوسی باید اعتراف کنم عجیب به کارش مسلط بود و من و ما خیلی بیشتر از آن‌چه انتظار داشتیم از این پیرمرد تلمذ کردیم و آموختیم. آخر سر وقتی هگل و مارکس را شروع کرد همه شگفت زده شدیم. پیرمردی که به ظاهر ارتباطی با ماتریالیسم تاریخی نداشت اعجوبه‌ای بر این سبیل بود و کاربلدی کاردارن که به زبان ساده عمیق‌ترین مفاهیم فلسفه علمی را توضیح می‌داد. کم کم داشتیم پراکنده می‌شدیم. نمایش بیشه‌های کردستان به جشنواره تئاتر سراسری راه یافت و این موفقیت برای مشتاقان جوان شهرستانی بی‌بدیل بود. لازم به توضیح در آن سال‌ها پارتنی بازی و زویند حدائق بود. برخلاف این سال‌ها که جشنواره‌ها از قبل تقسیم می‌شود. فلانی مشهد را بر می‌دارد.

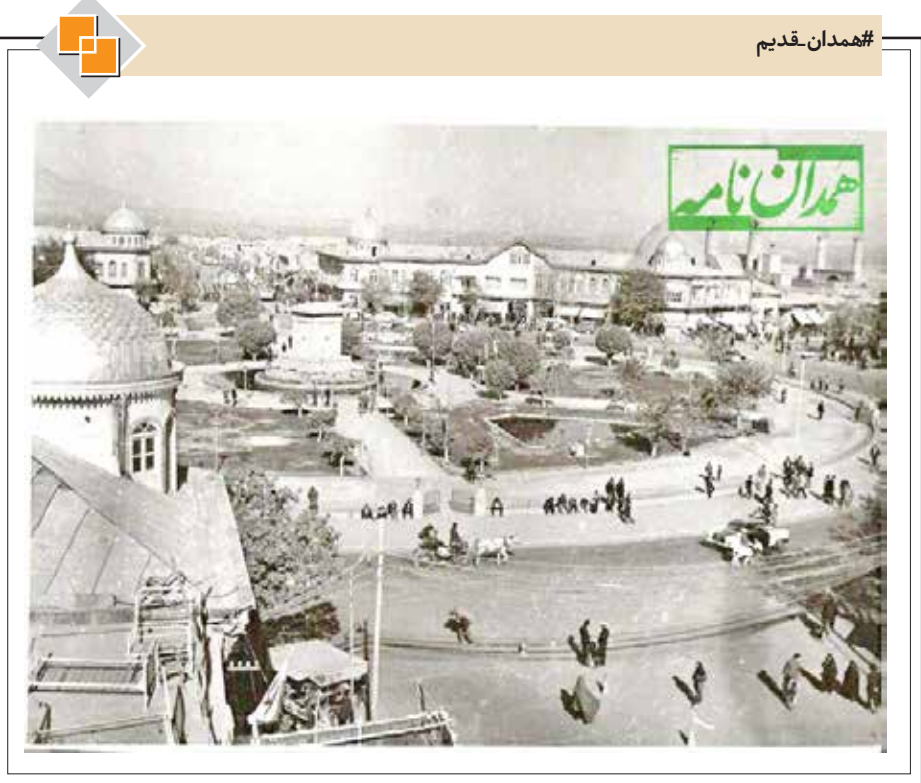
روایتی کمی تا قسمتی واقعی از گذشته‌های نه چندان دور

تکه شلنگ را مثل شلاق می‌کوبیدم به در. هفت دقیقه شروع می‌شد. می‌ایستادم روبروی آینه قدی رنگ زده. به هفت ثانیه تکشیده بخار همه‌جا را می‌گرفت. انگار ابر را از بالای نوشهر کنده باشند و حبس کرده باشند داخل آن دالان خفه با دو راهروی درازش که در بی‌نهایت به هم می‌رسید. ابر زندانی، آینه را خیس می‌کرد، با سر انگشت اسم تو را رویش می‌نوشتم. اسم تو گریه می‌کرد و می‌سرید به پایین. صدای شر شر آب و عطر صابون از نمرها می‌آمد. غرق می‌شدم در شبتم معلق در هوا. بخار سرد داخل ریه‌های خسته‌ام می‌دوید. صدا تو محوم می‌پیچید. می‌دونی محوم جن داره، اونم این‌جا، تو بیابونای یزد؟ بیابونای یزد چه قد یا کوجه‌باغای عباس آباد فاصله داره؟ خیلی؟ یا سر استخر و میدان میشان؟ خیلی؟ یا سه راهی شهرک فرهنگیان؟ یا مکارچی و مسیر خاکیش؟ خیلی! خیلی! خیلی! هفت دقیقه تمام شد. شلنگ را دوباره می‌کوبیدم به در. وقت نومه. سریازها با لب‌های گل انداخته سه دقیقه وقت داشتند. صدا را می‌انداختم بیخ گلو، بیاید بیرون. می‌آمدند، گروه بعدی وجود نداشت. آخرین گروه لباس می‌پوشیدند و می‌رفتند. من و دکتر امیر می‌ماندیم. جفتی ستوان یک بودیم و او سواسی و من عشق تنهایی. نوبت خودمان بود. چون آخر شب بود و مسئول حمام بودیم هفت دقیقه‌ای نوبدیم. حمام چهل و هشت



احسان فکا
 نویسنده

دوشه برای ما دو، سه نفر بود و آب داغ و آب داغ و آب داغ و دوری، دوری، دوری، خسن حمام این است که اشک شور دو تانبه نوب صورت آدم ماندگار نمی‌شود. اشک از غربت، از دل گرفته، از تاریکی بی انتهای کویر بی‌ستاره و من تمام غروب تا شب‌های مرکز آموزش شهید خاتمی یزد در آن حمام‌نمور به فکر امیرکبیر بودم و حمام فین و نیشتر با دسته شاخ قوچ‌اش و خونی که از رگ‌هایش شگفت و بلند می‌خواندم: خوشبیدم و شهاب قبولم نمی‌کند سیم‌رغم و عقاب قبولم نمی‌کند بی تاب از تو گفتنم، افسوس که قرن‌هاست آن لحظه‌های ناب قبولم نمی‌کند بعد. موها خیس، انگشت‌دست‌ها ورم کرده از آب، عطر حمام هنوز توی بینی، پاچه‌ی شلوار سربازی بالا زده از حمام داغ بیرون می‌زدیم و دو گام زنده دم‌بابایی و پاها گلی می‌شد، تا آسایشگاه و خوابی گرم در سرمای دی ماه، سبید متری راه بود و زیر لب می‌خواندم به صحرا شدم عشق باریده بود و زمین تر شده چندان که پای مرد به گلزار فرو شود پای من به عشق فرو شد ادامه دارد



گل‌های جاویدان به چاپ دوم رسید

همدان‌نامه: کتاب گل‌های جاویدان که سال ۱۳۹۵ در همدان منتشر شد، به چاپ دوم رسید و این بار در دو جلد روانه بازار شد. مدیر انتشارات گل‌های جاویدان در این باره به همدان‌نامه گفت: پس از چاپ اول کتاب گل‌های جاویدان که به شکل ناسر مؤلف و با هزینه شخصی عرضه شد و مورد استقبال کم‌نظیر هنرمندان و علاقه‌مندان موسیقی ایران خصوصاً دوست‌داران برنامه فاخر گل‌ها قرار گرفت، بر آن شدیم چاپ دوم کتاب را با اصلاحات و همچنین اضافه شدن چند برنامه جدید و این بار در قالب دو جلد به علاقه‌مندان موسیقی تقدیم کنیم.

«علی شریفی» توضیح داد: در این بین، به پیشنهاد برخی از دوستان اهل دل و همچنین استادان برجسته موسیقی از جمله دکتر شاهین فرहत، انتشارات گل‌های جاویدان را به ثبت رساندیم و کتاب دو جلدی گل‌های جاویدان را این‌بار از طریق این انتشارات تازه تأسیس عرضه می‌کنیم.

وی ادامه داد: با گذر از این مقدمه، در راه این خدمت فرهنگی از ایردستان توفیق می‌طلبیم و از تک‌تک اساتید، هنرمندان، هنرجویان و علاقه‌مندان موسیقی فاخر ایرانی عاجزانه طلب

و اضافه کردن اتودهایی که باعث روشن شدن داستان، کشف و توضیح لایه‌های پنهان متن اصلی شد با تماشایی که اکثر غیرحرفه‌ای بودند ارتباط صمیمانه‌ای برقرار کرد. به هر حال حضور ایشان در عرصه هنر شهر غنیمتی است و باید از دانش و قلم ایشان حداکثر استفاده برد. گو این‌که دور دور چهره‌های ویتربینی است و تا ملی شدن هنر تئاتر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی این وضع ادامه دارد. هر چند که از تئاتر فقط پوسته‌های بماند که مانده است و حضرات خود را عالم به این هنر به واقع مقدس بدانند و برای عده‌ای هنر جوی تازه کار و نابلد نقش یک قدیس را بازی کنند. به هر حال برای سلامت و سرزندگی عباس آقا دست به آسمان می‌بریم و منتظر دیدن کارهای بهتر او شروع دوباره روز بر می‌آید هستیم.

نمایش توی این شهر / طراح و کارگردان : عباس شیخ بابائی - بازیگران : وسط - زنده‌یاد مهدی فاضلی وسط سمت راست - سهراب نیک فرجاد... اجرا - جشنواره سراسری ساری سال ۵۶

بهمانی تبریز را و این یکی کودک را. سال‌های دهه شصت گذشت و به انقلاب رسیدیم. در طول انقلاب هم بحث‌های هیستریک دفاع از مردم و شناخت امپریالیسم بیشتر اوقات بچه‌ها را می‌گرفت. به شخصه اعتراف می‌کنم هر آن‌چه از باغ ظاهرآ سبزه و خرم می‌چیدیم آفت زده بود.

یک روز سر ناهار مرحوم عباس نفری به خانه آمد و با همان لحن جسورانه و بی‌تکلفش گفت: پاشو که همای سعادت سر شاه‌نات نشسته. وقتی علت را جویا شدم گفت: عباس اولین فیلم سینمایی‌اش را کلید زده. اگر کارگردان که نویسنده فیلمنامه هم هست به من احتیاج داشت خبرم می‌کرد. این حضوری که تو ازش حرف می‌زنی نوعی مزاحمت مودبانه است، مرحوم نفری را قانع کردم و رفت. هر چند درادور ناظر روند کار بودم. انصراف عباس شیخ بابائی از دانشکده هنرهای دراماتیک که به تئانی بار هنر تصویری این مملکت را با توجه به کادر فیم و با سواد به دوش می‌کشید و قبولی‌اش بود که همسان عبور از هفت خوان شاهنامه بود چندان تأثیری روی روند کاریش نداشت چراکه او خوب می‌دانست مدارس هنری کسی را فیلساز نمی‌کند و به قول حضرت حافظ باید آن دیگری در طرف وجود داشته باشد. عباس که تا قبل از فیلمسازی تعدادی متن تاتری نوشته و کار کرده بود. او اولین کسی بود که قبل از انقلاب یکی از نمایش‌هایش را به زیور طبع آراست و از این بابت تاریخ‌ساز است. برای ساخت فیلمش از تعدادی بازیگر مطرح تهرانی دعوت به عمل آورد و ساخت اولین کار سی و پنج میلی متری سینمایی‌اش را در همدان کلید زد. تا آن زمان تعدادی فیلم هشت میلیمتری توسط بچه‌های سینمای آزاد از جمله عبدالله باکیده، عباس نفری و سعید بنی صدر ساخته شده بود. آغاز کرد. امیدوارم فرصتی باشد تا در برنامه‌های مستقل به کارنامه سینمایی عباس شیخ بابائی بپردازیم. قبول کنیم فیلم سینمایی ساختن جسارت و شجاعت خاصی می‌طلبد که خوشبختانه در عباس وجود داشت. گو این‌که

طرح منتکالات از تنتما پیگیری از ما

۱۳۷

پاسخگوی همیشه

24

پل ارتباطی شهروندان با شهرداری همدان

